



شنبه نهم بهمن ماه ۱۴۰۰

سال هفتاد و هفتم شماره ۲۲۳۹۲

روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

شامل: قوانین - مذاکرات مجلس شورای اسلامی - رویه‌های قضائی - عهدنامه‌ها - آئیننامه‌ها

WWW.RRK.IR
WWW.DASTOUR.IR

تصویب‌نامه‌ها - تصمیم‌نامه‌ها - اساسنامه‌ها و آگهیها

تک شماره ۴۵۰۰ تومان

صفحه	دستگاه اجراء کننده	تاریخ تصویب	عنوان مندرجات (قوانین و مقررات و مصوبات آراء وحدت رویه)
۲	وزارت نیرو	۱۳۹۸/۱۱/۲۹	رأی شماره ۳۳۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: ۱- ملاک محاسبه و پرداخت سنوات کارگر، مطلق حقوق و مزد مندرج در مواد ۳۴ و ۳۵ قانون کار است. ۲- تعیین هفت برابر حداقل حقوق ماهیانه بعنوان حق سنوات خلاف قانون است
۳	شعب دیوان عدالت و سایر مراجع اداری	۱۴۰۰/۶/۱۴	رأی شماره ۲- ۳۳۲۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: دادنامه شماره ۳۳۲۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ هیأت عمومی اصلاح شد
۳	شهرداری اراک	۱۴۰۰/۹/۲۳	رأی شماره ۲۵۳۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: حکم مقرر در بند ۶ ماده ۲ تعرفه بهای خدمات سال ۱۴۰۰ شهرداری اراک که براساس آن مقرر شده است هزینه اجرای رأی قلع بنا به اضافه صدی ده از مالک دریافت می‌شود از تاریخ تصویب ابطال شد
۴	شورای اسلامی شهر تهران	۱۴۰۰/۹/۲۳	رأی شماره ۲۵۳۲ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: دو سطر آخر مصوبه شماره ۲۷۴۲- ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شورای اسلامی شهر تهران که متضمن منع ساخت و ساز و گسترش صنایع در محدوده آرامگاه و کوه بی‌بی شهربانو و پیرامون آن واقع در منطقه ۲۰ شهرداری تهران است ابطال شد
۶	منابع انسانی دانشگاه تهران	۱۴۰۰/۹/۲۳	رأی شماره ۲۵۳۳ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بخشنامه شماره ۲۶۴۸۶۲/۱۵۵- ۱۳۹۸/۹/۱۲ مدیرکل منابع انسانی دانشگاه تهران که متضمن ممنوعیت استخدام اشخاصی است که در دانشکده‌ها و پردیسهای آن دانشگاه دارای خویشاوندان سببی و نسبی هستند، ابطال شد و اطلاق آن نیز در فروضی که مانع استخدام افرادی شده است که ضرورتی برای استخدام آنها در دانشگاه وجود داشته، به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب ابطال شد
۸	شورای اسلامی شهر اصفهان	۱۴۰۰/۹/۲۳	رأی شماره ۲۵۴۴ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: مصوبه شماره ۲۸/۹۴/۳۰۶۰- ۱۳۹۴/۸/۴ شورای اسلامی شهر اصفهان و نامه شماره ۲۰/۱/۸۶۳۹۹- ۱۳۹۴/۱۲/۱۴ استانداری اصفهان که متضمن موافقت با اخذ عوارض تفکیک توسط شورای اسلامی شهر اصفهان به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب ابطال شد
۹	شورای اسلامی شهر دلیجان	۱۴۰۰/۹/۲۳	رأی شماره ۲۵۴۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اطلاق قسمتی از بند ۱۰ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر دلیجان که تحت عنوان عوارض قدرالسهم شهرداری ناشی از تفکیک و افراز اراضی و املاک داخل محدوده و حریم شهر در حدی که متضمن اخذ حق‌السهم از اراضی شش دانگ کمتر از ۵۰۰ مترمربع است ابطال شد
۱۱	شورای اسلامی شهر اراک	۱۴۰۰/۹/۲۳	رأی شماره ۲۵۵۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: بند ۷- ۱ و گام ۹ از شیوه‌نامه تملک املاک توسط شهرداری اراک (موضوع نامه شماره ۹۸/۵۲۶/ش- ۱۳۹۸/۳/۱۹ رئیس شورای اسلامی شهر اراک) که متضمن عدم پذیرش نظریه هیأت سه نفره کارشناسان رسمی دادگستری است از تاریخ تصویب ابطال شد
۱۳	شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب	۱۴۰۰/۹/۲۳	رأی شماره ۲۵۵۱ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع: اطلاق ردیف ۱ تعرفه شماره ۵- ۲ از تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ شهرداری سرپل ذهاب که تحت عنوان عوارض آماده‌سازی به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده از تاریخ تصویب ابطال شد. تعرفه شماره ۱۸- ۲ از تعرفه عوارض سالهای ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب که تحت عنوان عوارض تفکیک عرصه و افزایش واحد به استثناء تبصره‌های ۳، ۴ و ۸ آن از تاریخ تصویب ابطال شد

قوانین و مقررات عمومی

شماره ۹۸۰۰۹۷۹

۱۴۰۰/۱۰/۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران
یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه
۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۳۳۲۸ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ با موضوع: «۱- ملاک محاسبه و پرداخت
سنوات کارگر، مطلق حقوق و مزد مندرج در مواد ۳۴ و ۳۵ قانون کار است. ۲- تعیین
هفت برابر حداقل حقوق ماهیانه بعنوان حق سنوات خلاف قانون است.» جهت درج در
روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ شماره دادنامه: ۳۳۲۸ شماره پرونده: ۹۸۰۰۹۷۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای سعید کنعانی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مواد ۲ و ۸ بخشنامه شماره ۹۴/۲۱۳۸۸/۵۰/۱۰۰ -

۱۳۹۴/۴/۸ و فراز پایانی ماده ۱۰ بخشنامه شماره ۹۸/۱۴۳۸۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۸/۲/۱۸
وزیر نیرو

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال مواد ۲ و ۸ بخشنامه شماره

۹۸/۱۴۳۸۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۴/۴/۸ و فراز پایانی ماده ۱۰ بخشنامه شماره ۹۸/۱۴۳۸۰/۵۰/۱۰۰ -

۱۳۹۸/۲/۱۸ وزیر نیرو را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"با عرض سلام و ادب و احترام

مادتین ۲ و ۸: حکم قانونگذار در پرداخت حق سنوات، بر اساس آخرین حقوق و
آخرین مزد می‌باشد که در برگیرنده تمام عناوین مزدی و مواد ۳۴ و ۳۵ قانون کار است
لذا بخشنامه معترض‌عنه در حدی که کارگران را از دریافت سنوات بر اساس آخرین
حقوق و مزد محروم نموده و صرفاً شامل مزد مینا و حق جذب می‌شود، درخور نقض و
مغایر با رأی وحدت رویه ۱۸۶ - ۱۳۹۸/۲/۱۷ است.

ماده ۱۰: حق سنوات به دلالت مواد ۲۲، ۲۴، ۲۷ و ۳۱ قانون کار بایستی بعد از خاتمه
رابطه کاری و بر اساس حقوق آخرین ماه کارکرد پرداخت شود و از آنجا که پرداخت سنوات
در زمان اشتغال فاقد وصف آخرین حقوق و قطع رابطه کاری می‌باشد، لذا علی‌الحساب تلقی
می‌گردد چرا که محاسبه سنوات صرفاً با آخرین حقوق تجویز شده است.

مضافاً قضات شریف با این استدلال که سنوات خدمت از جمله حقوقی است که
به هنگام قطع رابطه تحقق پیدا می‌کند، پرداخت سنوات در طول خدمت را علی‌الحساب
تلقی کرده‌اند. بنابراین بخشنامه مذکور از این جهت که پرداخت بخشی از سنوات را به
مثابه تسویه حساب قطعی دانسته و در زمان بازنشستگی از محاسبه تمام سابقه کار با
آخرین حقوق امتناع می‌نماید، مستحق ابطال است. همچنین مقید و محدود نمودن حق
سنوات به هفت برابر حداقل مزد (موضوع ماده ۴۱ قانون کار) صحیح به نظر نمی‌رسد،
زیرا در سراسر قانون کار شرط تحدیدکننده سنوات مشاهده نمی‌شود لذا با مدلول مواد
۲۴ و ۳۱ قانون کار در معارضت و مغایرت است."

شاکي به موجب لایحه‌ای که به شماره ۹۸ - ۹۷۹ - ۴ مورخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۷ ثبت
دفتر اداره کل امور هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری شده اعلام
کرده است که:

"اینجانب سعید کنعانی با اقامه دعوا به طرفیت وزارت نیرو، ابطال مواد ۲ و ۸
بخشنامه ۹۴/۲۱۳۸۸/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۴/۴/۸ و ماده ۱۰ بخشنامه ۹۸/۱۴۳۸۰/۵۰/۱۰۰ -
۱۳۹۸/۲/۱۸ را تقاضا نمودم. حال با تقدیم این درخواست استدعای صرف نظر از رسیدگی
به شق نخست ماده ۱۰ بخشنامه ۹۸/۱۴۳۸۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۸/۲/۱۸ را دارم، البته فراز
پایانی همان ماده، دائر بر محدودیت سنوات به هفت برابر حداقل حقوق و مواد ۲ و ۸
همچنان در دستور رسیدگی قرار گیرد. بر این اساس خواهشمندم رسیدگی به ابطال مواد
۲ و ۸ بخشنامه ۹۴/۲۱۳۸۸/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۴/۴/۸ و فراز پایانی ماده ۱۰ بخشنامه
۹۸/۱۴۳۸۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۸/۲/۱۸ در هیأت عمومی ادامه یافته و صرفاً رسیدگی به
قسمت نخست ماده ۱۰ کان لم یکن گردد."

متن مقررهای مورد اعتراض به قرار زیر است:

الف) مواد ۲ و ۸ بخشنامه شماره ۹۴/۲۱۳۸۸/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۴/۴/۸ وزیر نیرو:

"۲- کلیه کارکنان شاغل در شرکتها از پاداش موضوع ماده ۳۱ قانون کار جمهوری
اسلامی ایران با رعایت بند ۸ این بخشنامه به ازای هر سال سابقه خدمت قابل قبول
بهره‌مند می‌گردند.

....

۸- مبنای محاسبه جهت تعیین پاداش سنوات (حقوق مینا + فوق‌العاده جذب) می‌باشد.
ب) بند ۱۰ بخشنامه شماره ۹۸/۱۴۳۸۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۸/۲/۱۸ وزیر نیرو:
"۱۰- متن زیر به مفاد بخشنامه بازنشستگی اختیاری به شماره ۹۴/۲۱۳۸۸/۵۰/۱۰۰ -
۱۳۹۴/۴/۸ اضافه می‌گردد: در هر صورت، مجموع پاداشهای پایان خدمت پرداختی در
طول خدمت نباید از سقف تعیین شده قانونی (هفت برابر حداقل حقوق ماهیانه قانون کار
جمهوری اسلامی ایران به ازای هر سال خدمت ضرب در سی) تجاوز نماید."
در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر حقوقی وزارت نیرو به موجب لایحه شماره
۹۸/۲۷۰۰۳/۴۱۰ - ۱۳۹۸/۵/۲۸ توضیح داده است که:

"پاسخ در ماهیت شکایت مطروحه: ۱- در خصوص بندهای ۲ و ۸:

بخشنامه شماره ۹۴/۲۱۳۸۸/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۴/۴/۸ به منظور قدردانی از خدمات
کارکنان شاغل (دارای قرارداد دائم و مدت معین) در شرکتهای وابسته (غیردولتی) و با
هدف جذب و بکارگیری نیروهای انسانی جوان، ایجاد زمینه اشتغال، اصلاح ساختار نیروی
انسانی و متناسب سازی، تشویق و تسهیل در خروج نیروی انسانی، صادر شده است تا با
اجرای آن کارکنانی که حائز شرایط بازنشستگی داوطلبانه و اختیاری می‌باشند، در صورت
ارائه درخواست بازنشستگی، علاوه بر دریافت حقوق و یا مزد موضوع مواد ۲۴ و ۳۱ قانون
کار - برای هر سال سابقه - از پاداش بازنشستگی تشویقی تا میزان ۵۰ روز برای مشاغل
تخصصی و ۶۰ روز برای مشاغل غیرتخصصی بهره‌مند گردند. آن گونه که در عنوان
بخشنامه مذکور و مفاد آن اشاره گردیده است جنبه تشویقی برای بازنشستگی کارکنان
در نظر گرفته شده و تقاضای داوطلبانه کارکنان برای استفاده از مزایای آن لازم و ضروری
می‌باشد و در صورت عدم ارائه درخواست و عدم استفاده از آن، طبق ضوابط و مقررات
کارکنان در شرایط عادی بازنشسته شده و صرفاً از مزایای پایان کار استحقاقی موضوع
ماده مواد ۲۴ و ۳۱ قانون کار بهره‌مند می‌گردند.

همچنین مقرر مندرج در بند ۸ مبنی بر تعیین پاداش سنوات (حقوق مینا +
فوق‌العاده جذب) منحصر به پاداش ایام ۲۰ و ۳۰ روز بوده که علاوه بر حقوق و یا مزد
پیش‌بینی شده در مواد ۲۴ و ۳۱ قانون کار، می‌باشد. در نتیجه چون مقرر فوق هیچ
مغایرتی با قوانین منصوص ندارد، ایراد و اعتراض به آن نیز قابلیت طرح و پیگیری نخواهد
داشت. لذا پاداشهای ذکر شده در بخشنامه مذکور از جمله بند ۲ و ۸ آن، صرفاً جنبه
تشویقی برای ایجاد انگیزه کارکنان به استفاده از بازنشستگی در موعد مقرر بوده و در
صورت عدم استفاده از مزایای فوق، کارکنان یاد شده در زمان خاتمه خدمت بر اساس
آخرین حقوق و یا مزد به نسبت هر سال سابقه خدمت به میزان ۳۰ روز به آنان پرداخت
می‌گردد. ضمناً در خصوص سقف پاداش هفت برابر حداقل دستمزد تعیین شده، لازم به
توضیح است از آنجا که حسب محاسبات صورت گرفته تعهدات مالی پیش‌بینی شده در
مجموع بیشتر از تعهدات و تکالیف مقرر در ماده ۳۱ قانون کار می‌باشد و کارفرما مکلف
است به استناد ماده مذکور پاداش استحقاقی به هر میزان که باشد، پرداخت نماید، در این
رابطه با توجه به اینکه جمع پاداش اختیاری و تشویقی پیشنهادی در بخشنامه مذکور
ممکن است مازاد بر بودجه پیش‌بینی توسط مجمع عمومی شرکتهای متبوع باشد، لذا به
لحاظ امکان کنترل بودجه هزینه تخصیص یافته، هفت برابر حداقل دستمزد، به عنوان
سقف پاداش تشویقی تعیین شده است. ملاحظه می‌فرمایند به جهت جنبه تشویقی
آن کارکنان اختیار استفاده از مزایای فوق را برای خود محفوظ داشته و در این صورت
هیچ‌گونه تضییع حقی متصور نخواهد بود.

۲- در خصوص بند ۱۰: بند ۱۰ بخشنامه ۹۸/۱۴۳۸۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۸/۲/۱۸ مقرر
نموده است «کارکنانی که قبلاً به هر دلیلی نسبت به بازخرید خدمت سنوات اقدام
نموده‌اند، امکان به روز نمودن پاداش مذکور را نداشته و صرفاً قادر به دریافت باقیمانده
پاداش سنوات خود با رعایت ضوابط و مقررات در چارچوب این بخشنامه می‌باشند.» در
این رابطه بر اساس مواد ۲۴ و ۳۱ قانون کار، پایان کار کارکنان صرفاً در صورت خاتمه
قرارداد کار بر اثر از کارافتادگی و یا بازنشستگی آنان قابل پرداخت می‌باشد. بر همین
اساس به موجب بند (۱۰) بخشنامه مذکور تأکید گردیده که در مورد کارکنانی که قبلاً
پاداش پایان خدمت بخشی از سوابق خود را مطابق مواد ۲۴ و ۳۱ قانون کار دریافت
نموده‌اند، بروزسانی پاداشهای پایان خدمت قبلی تحت هر عنوان مجاز نبوده و در زمان
بازنشستگی فقط برای آن مدت از سوابق خدمتی که پاداش دریافت ننموده‌اند، قابل
پرداخت می‌باشد. لذا این موضوع منصرف از ادعای شاکي مبنی بر علی‌الحساب تلقی
کردن پرداختهای قبلی بابت پاداش پایان خدمت به استناد آراء منضم دادخواست،

رأی به ابطال مقررات مزبور صادر کرده است. با توجه به وجود سهو قلم در بخشی از متن دادنامه مذکور دادنامه اصلاحی به شرح زیر صادر می‌شود.

رأی اصلاحی هیأت عمومی

در دادنامه شماره ۳۳۲۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، جمله «...که همه عناوین مقرر در مواد ۳۴ و ۳۵ قانون یاد شده را دربر می‌گیرد»، مبتنی بر سهو قلم بوده و بر همین اساس مستند به حکم مقرر در تبصره ماده ۹۷ و ماده ۱۲۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ و ماده ۳۰۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹، جمله مذکور از متن دادنامه شماره ۳۳۲۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری حذف می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۰۰۰۰۰۲۲ - ۱۴۰۰/۱۰/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۲۵۳۱/۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۵۳۱ مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ با موضوع: «حکم مقرر در بند ۶ ماده ۲ تعرفه بهای خدمات سال ۱۴۰۰ شهرداری اراک که براساس آن مقرر شده است هزینه اجرای رأی قلع بنا به اضافه صدی ده از مالک دریافت می‌شود از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۹/۲۳ شماره دادنامه: ۲۵۳۱ شماره پرونده: ۰۰۰۰۰۲۲

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای ایمان قوامی فرد

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۶ ماده ۲ تعرفه عوارض و بهای خدمات

محلی سال ۱۴۰۰ مصوب شورای اسلامی شهر اراک در خصوص اخذ صدی ده از مالک علاوه بر هزینه قلع بنا

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال بند ۶ ماده ۲ تعرفه عوارض و بهای

خدمات محلی سال ۱۴۰۰ مصوب شورای اسلامی شهر اراک در خصوص اخذ صدی ده از مالک علاوه بر هزینه قلع بنا را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

نظر به اینکه در تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداریها در خصوص عدم اجرای رأی قلع بنا ظرف مهلت مقرر قانونی صرفاً هزینه اجرا مقرر گردیده و شورای اسلامی شهر، ده

درصد را به آن افزوده است که مغایر با قانون می‌باشد. تبصره ۱ ماده ۱۰۰ مقرر می‌دارد: «شهرداری مکلف است تصمیم مزبور را به مالک ابلاغ کند هرگاه مالک در مهلت مقرر اقدام به قلع بنا ننماید، شهرداری رأساً اقدام کرده و هزینه آن را طبق مقررات آیین‌نامه

اجرای وصول عوارض از مالک دریافت خواهد نمود.» لذا اضافه نمودن ده درصد بر هزینه قلع بنا ماهیتاً جریمه و مجازات عدم قلع بنا است که طبق اصل ۳۶ قانون اساسی و ماده

۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در اختیار قانونگذار است و علاوه بر مغایرت با تبصره ۱ ماده ۱۰۰، مغایر با ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب

۱۳۸۰ و تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجم توسعه مصوب ۱۳۹۰ و ماده ۵۹ قانون رفع موانع تولید در باب عدم صلاحیت شهرداری در دریافت هرگونه وجهی بدون مجوز قانونی

است. معهداً نظر به مراتب معنونه و مسطوره فوق‌الذکر و با امعان نظر به اینکه عوارض معترض‌به، مغایر قانون و خارج از حدود اختیار مقام واضح وضع گردیده و با وضع عوارض

مصوب مذکور و اعلان عمومی آن اخذ هر مقدار وجوه از اشخاص با ابتناء بر آن فاقد وجهت و استغناى حقوقی است و خارج از اختیارات واضح آن است و وفق مواد ۳۰۱ و ۳۰۳

قانون مدنی، مستوجب ضمان عین و منافع می‌باشد لذا ابطال مصوبه موضوعه معنونه شورای اسلامی شهر اراک از زمان تصویب مستنداً به مواد ۱۲، ۱۳ و ۸۸ قانون

تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ مورد استدعاست. متن مقررده مورد شکایت به شرح زیر است:

ماده ۲: نکات الزامی برای اجرای تعرفه

بند ۶ - در کلیه مواردی که شهرداری مجاز به صدور پروانه ساختمان نمی‌باشد ولی مالک یا مالکین بدون مجوز شهرداری نسبت به احداث بنا اقدام می‌نمایند. شهرداری مکلف

است پرونده تخلف را به کمیسیون ماده صد ارجاع و در صورت صدور رأی ابقاء بنا توسط

می‌باشد. با توجه به مراتب فوق مجدداً تأکید می‌گردد که بخشنامه ابلاغ شده به منظور تشویق و ایجاد انگیزه برای خروج کارکنان به صورت کاملاً داوطلبانه و صرفاً بر اساس درخواست خود آنان می‌باشد و مزایای مندرج در آن علاوه بر مزایای استحقاقی و تکلیفی مشخص شده در قوانین و مقررات جاری از جمله مواد ۲۴ و ۳۱ قانون کار می‌باشد.

علیهذا با عنایت به اینکه اولاً: بر اساس بند «پ» ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری، شاکي باید در درخواست خود «حکم شرعی یا مواد قانونی

که ادعای مغایرت مصوبه با آن شده» است را بیان کند و همچنین مطابق بند «ت» همان ماده «دلایل و جهات اعتراض از حیث مغایرت مصوبه با شرع یا قانون اساسی یا سایر

قوانین یا خروج از اختیارات مرجع تصویب کننده» را ذکر نماید. ملاحظه می‌فرمایند در درخواست و ضمائم آن مواد قانونی مورد استناد شاکي مبین خلاف قانونی بودن بخشنامه

مورد اعتراض نمی‌باشد. ثانیاً: صدور بخشنامه مورد نظر به منظور ایجاد انگیزه برای خروج کارکنان به صورت کاملاً داوطلبانه و اختیاری می‌باشد. ثالثاً: بندهای مورد اعتراض در

بخشنامه‌های یاد شده در چارچوب ضوابط و مقررات مربوط به شرکت‌های وابسته (غیر دولتی) صادر شده است، لذا مستند به ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان

عدالت اداری قابلیت طرح در دیوان عدالت اداری را ندارد. لذا رسیدگی و ردّ شکایت مطروحه مورد استدعاست.

متعاقباً مدیرکل دفتر حقوقی وزارت نیرو به موجب لایحه شماره ۴۱۰ - ۹۸/۴۱۰۱۷ - ۹۸/۹/۲۰ اعلام کرده است که:

"به موجب بخشنامه شماره ۹۸/۳۹۶۵۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۸/۹/۱۰ وزیر نیرو بخشنامه‌های مورد نظر مطابق مقررات مورد عمل اصلاح و به شرکت‌های مادر تخصصی ابلاغ شده است. لذا اتخاذ تصمیم شایسته مبنی بر رد شکایت مطروحه مورد استدعاست."

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از

بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

بر مبنای مواد ۲۴ و ۳۱ قانون کار، ملاک محاسبه و پرداخت حق سنوات، مطلق حقوق و مزد کارگر است که همه عناوین مقرر در مواد ۳۴ و ۳۵ قانون یاد شده را دربرمی‌گیرد.

بر همین اساس، حکم مقرر در بندهای ۲ و ۸ بخشنامه شماره ۹۴/۲۱۳۸۸/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۴/۴/۸ وزیر نیرو که صرفاً حقوق مبنا و فوق‌العاده جذب را مبنای محاسبه حق

سنوات قرار داده و فراز آخر بند ۱۰ بخشنامه شماره ۹۸/۱۴۳۸۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۸/۲/۱۸ وزیر نیرو که خارج از چارچوب قانون، هفت برابر حداقل حقوق ماهیانه را به عنوان حق

سنوات تعیین کرده، با مواد ۲۴، ۳۱، ۳۴ و ۳۵ قانون کار مغایرت دارد و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب

سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - محمدکاظم بهرامی

شماره ۹۸۰۰۹۷۹ - ۱۴۰۰/۱۰/۷

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۲۵۳۱/۹۷۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۵۳۱ مورخ ۹۸۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۳۳۲۸ مورخ ۱۴۰۰/۴/۱۶ با موضوع: «دادنامه شماره ۳۳۲۸ مورخ

۱۳۹۸/۱۱/۲۹ هیأت عمومی اصلاح شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۶/۱۴ شماره دادنامه: ۲۳۲۸ - شماره پرونده: ۹۷۹/۹۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع: اعمال تبصره ماده ۹۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ نسبت به دادنامه شماره ۳۳۲۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۹ هیأت عمومی دیوان

عدالت اداری

گردش کار: آقای سعید کنعانی به موجب دادخواستی ابطال مواد ۲ و ۸ بخشنامه شماره

۹۴/۲۱۳۸۸/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۴/۴/۸ و فراز پایانی ماده ۱۰ بخشنامه شماره ۹۸/۱۴۳۸۰/۵۰/۱۰۰ - ۱۳۹۸/۲/۱۸ وزیر نیرو را خواستار شده و پس از طرح موضوع در

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، این هیأت به موجب دادنامه شماره ۳۳۲۸ - ۱۳۹۸/۱۱/۲۹

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس تبصره ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری: «... در صورتی که تصمیم کمیسیون بر قلع تمام یا قسمتی از بنا باشد مهلت مناسبی که نباید از دو ماه تجاوز کند، تعیین می‌نماید. شهرداری مکلف است تصمیم مزبور را به مالک ابلاغ نماید. هرگاه مالک در مهلت مقرر اقدام به قلع بنا ننماید، شهرداری رأساً اقدام کرده و هزینه آن را طبق مقررات آیین‌نامه اجرایی وصول عوارض از مالک دریافت خواهد نمود» و بر مبنای ماده ۷۷ قانون شهرداری: «رفع هرگونه اختلاف بین مؤدی و شهرداری در مورد عوارض و بهای خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمانهای وابسته به آن به کمیسینی مرکب از نمایندگان وزارت کشور و دادگستری و انجمن شهر ارجاع می‌شود و تصمیم کمیسیون مزبور قطعی است...» با توجه به اینکه در موازین قانونی مزبور در رابطه با نحوه قلع تمام یا قسمتی از بنا پس از صدور رأی کمیسیون و نحوه حل اختلافات مؤدی و شهرداری در خصوص عوارض و بهای خدمات تعیین تکلیف شده است، بنابراین حکم مقرر در بند ۶ ماده ۲ تعرفه بهای خدمات سال ۱۴۰۰ شهرداری اراک که براساس آن مقرر شده است که هزینه اجرای رأی قلع بنا به اضافه صدی ده از مالک دریافت می‌گردد، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

کمیسیون علاوه بر اخذ جریمه عوارض مربوطه نیز وصول می‌گردد در صورتی که تصمیم کمیسیون ماده ۱۰۰ بر قلع تمام یا قسمتی از بنا باشد مهلت مناسبی که نباید از دو ماه تجاوز کند تعیین می‌نماید. شهرداری مکلف است تصمیم مزبور را به مالک ابلاغ کند. هرگاه مالک در مهلت مقرر اقدام به قلع بنا ننماید شهرداری رأساً اقدام کرده و هزینه آن را طبق مقررات آیین‌نامه اجرای وصول عوارض از مالک به شرح ذیل دریافت خواهد نمود.

هزینه اجرای رأی قلع بنا به اضافه صدی ده از مالک دریافت گردد که در این مورد صورت حساب شهرداری بدواً به مالک ابلاغ می‌شود در صورتی که مالک ظرف پانزده روز از تاریخ ابلاغ به صورت حساب شهرداری اعتراض نکرد صورت حساب قطعی تلقی می‌شود و هرگاه ظرف مهلت مقرر اعتراض کرد موضوع به کمیسیون مذکور در ماده ۷۷ ارجاع خواهد شد. صورت حساب‌هایی که مورد اعتراض واقع نشده و همچنین آراء کمیسیون رفع اختلاف مذکور در ماده ۷۷ در حکم سند قطعی و لازم‌الاجرا بوده و اجراء ثبت مکلف است بر طبق مقررات اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجراء نسبت به وصول طلب شهرداری اجرائیه صادر و به مورد اجراء بگذارد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر اراک به موجب لایحه شماره ۱۴۰۰/۲/۲۱/ش مورخ ۱۴۰۰/۲/۲۱ توضیح داده است که:

«اولاً: در امکان رسیدگی به شکایات اشخاص از مصوبات شوراها از سوی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تردید جدی وجود دارد همچنان که به موجب دادنامه شماره ۵۷۹ مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۳ با تصریح به اینکه رسیدگی به درخواست ابطال مصوبات شورای اسلامی روستا از این حیث که در زمره صلاحیت‌های احصاء شده در بند ۱ ماده ۱۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری نیست، موجبی برای رسیدگی به شکایت از مرجع مذکور در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ملاحظه ننموده‌اند، وانگهی مفاد رأی اخیر وحدت رویه شماره ۹۷۲ مورخ ۱۳۹۹/۹/۳۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم صلاحیت شعب دیوان برای رسیدگی به شکایات از اقدامات و تصمیمات شوراهای اسلامی شهر نیز استدلال فوق را تأیید می‌نماید. ثانیاً: مطابق قسمت پایانی تبصره یک ذیل ماده ۱۰۰ قانون شهرداری، هرگاه مالک در مهلت مقرر اقدام به اجرای رأی کمیسیون ماده ۱۰۰ دایر بر قلع بنا نکند شهرداری رأساً اقدام کرده و هزینه آن را طبق مقررات آیین‌نامه اجرای وصول عوارض از مالک دریافت خواهد کرد، بنابراین قانونگذار اختیار تعیین و وصول هزینه را با توجه به آیین‌نامه اجرای وصول عوارض حسب مورد به شورای شهر و شهرداری تفویض نموده و بدین ترتیب مصوبه مورد شکایت با در نظر گرفتن حکم قانونی مذکور و آیین‌نامه اجرایی نحوه وضع و وصول عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر، بخش و شهرک موضوع قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران و آخرین قوانین و مقررات حاکم بر تعیین عوارض محلی بنا به شرحی که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد تنظیم گردیده و مغایرتی با قوانین و مقررات حاکم ندارد. ثالثاً: ذکر عبارت «به اضافه» در مصوبه مورد شکایت و مسامحه در تعبیر موجب برداشت اشتباه برای شاکی و تصور نادرست وی مبنی بر تعیین وجه اضافه بر هزینه گردیده و این در حالی است که اجرای آراء قلع بنا مستلزم تمهید مقدمات قانونی امر از جمله شامل تامین نیرو و ماشین‌آلات می‌باشد و اشاره به عبارت «به اضافه» به هیچ وجه متضمن اخذ هزینه مازاد نیست بلکه ۱۰ درصد تعیین شده به منظور جبران هزینه‌های غیرمستقیمی است که شهرداری در اثر اجرای آراء یاد شده متحمل می‌گردد همچنان که وزارت کشور در دستورالعمل نظام جامع مالی شهرداریهای کشور که از طرف سازمان شهرداریها و دهیاریهای کشور به موجب نامه شماره ۳۹۷۶۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۸ به شهرداران مراکز استانها ابلاغ گردیده، به وضع مقرراتی در خصوص در نظر گرفتن استهلاک دارایی‌های استهلاک‌پذیر شهرداری و لزوم تامین هزینه نگهداری و تعمیر ماشین‌آلات پرداخته است، بنابراین برخلاف ادعا و البته استنباط ناصواب شاکی ۱۰ درصد در نظر گرفته به هیچ وجه هزینه مازاد و مصداق اخذ وجه بدون مجوز نبوده و در واقع جزئی از هزینه‌های مترتب بر اجرای آراء کمیسیون ماده ۱۰۰ دایر بر قلع بنا می‌باشد. رابعاً: مطابق بند ۱۶ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاست عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود از جمله وظایف و مسئولیتهای شورای اسلامی شهرها محسوب شده و در تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ نیز وضع عوارض محلی جدید که تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد، با رعایت مقررات مربوطه تجویز شده و شایسته ذکر است هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز در بند (ب) رأی شماره ۷۹ - ۱۳۹۵/۲/۲۱ به اختیار قانونی شوراها برای وضع عوارض محلی تصریح و تأکید نموده است، اکنون با عنایت به مجموع مراتب یاد شده، استدعای صدور رأی مبنی بر رد شکایت مطروحه را می‌نماید.»

شماره ۰۰۰۰۶۴۹

۱۴۰۰/۱۰/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۲/۱۱/۲۱ - ۲۷۴۲ - شورای اسلامی شهر تهران که متضمن منع ساخت و ساز و گسترش صنایع در محدوده آرامگاه و کوه بی‌بی شهربانو و پیرامون آن واقع در منطقه ۲۰ شهرداری تهران است ابطال شد. جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد. مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۹/۲۳ شماره دادنامه: ۲۵۳۲ شماره پرونده: ۰۰۰۰۶۴۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت سیمان تهران با وکالت خانم مهگل هاشمی و آقای سیدایمان میریان حسین آبادی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دو سطر آخر مصوبه شماره ۲۷۴۲ - ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شورای اسلامی شهر تهران مبنی بر منع ساخت و ساز و گسترش صنایع در محدوده آرامگاه و کوه بی‌بی شهربانو و پیرامون آن واقع در منطقه ۲۰ شهرداری تهران
گرددش کار: خانم مهگل هاشمی و آقای سیدایمان میریان حسین آبادی به وکالت از شرکت سیمان تهران به موجب دادخواستی ابطال دو سطر آخر مصوبه شماره ۲۷۴۲ - ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شورای اسلامی شهر تهران مبنی بر منع ساخت و ساز و گسترش صنایع در محدوده آرامگاه و کوه بی‌بی شهربانو و پیرامون آن واقع در منطقه ۲۰ شهرداری تهران را خواستار شده‌اند و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده‌اند که:

« احتراماً اینجانبان سیدایمان میریان و مهگل هاشمی به وکالت از شرکت سیمان تهران مطالب ذیل را به استحضار می‌رسانیم: شرکت سیمان تهران یکی از قدیمی‌ترین و مهمترین شرکتها در عرصه تولید سیمان است که به عنوان یکی از زیرمجموعه‌های بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی اداره می‌گردد. این شرکت حتی قبل از انقلاب اسلامی و از سال ۱۳۴۰ برابر اسناد تقدیمی در حال بهره‌برداری مواد اولیه تولید سیمان از کوه بی‌بی شهربانو است و مطابق پروانه بهره‌برداری شماره ۲۱۵۵۲ - ۱۳۸۲/۲/۱۶ صادره از سوی وزارت صنعت و معدن حق بهره‌برداری از معادن کوه بی‌بی شهربانو تا تاریخ ۱۴۰۴/۲/۱۴ به شرکت موکل اعطا شده است. اخیراً شورای شهر تهران اقدام به تصویب ماده واحده‌ای مبنی بر الزام شهرداری به ثبت ملی کوه بی‌بی شهربانو و اراضی آن نموده است. به دلایلی

مستقیماً بیت المال را متاثر می‌سازد. همچنین این نکته نیز شایان توجه است که سایر بخش‌های تولیدی کشور و اقتصاد مردم ری تا حد زیادی وابسته به فعالیت‌های این شرکت است که با اقدامات غیرقانونی شورای شهر مورد تهدید جدی واقع خواهد شد. بنابراین از آنجا که مصوبه مورد اعتراض شورای شهر، علاوه بر اینکه در تعارض با حقوق حقه موکل بوده و مخالف صریح قانون و خلاف اختیارات شورای اسلامی شهر نیز هست و نظر به آسیب‌های فراوانی که به شرکت و حقوق عامه به دنبال خواهد داشت لذا از آن هیأت تقاضای ابطال مصوبه معترض‌عنه را مطابق قانون دیوان عدالت اداری داریم.

متن مقرر مورد اعتراض به شرح زیر است:

«مشخصات مصوبه

عنوان: «الزام شهرداری تهران به فراهم کردن ساز و کار ثبت میراث طبیعی کوه بی‌بی‌شهربانو» (مشمول بر ماده واحده) به انضمام گردش کار تصویب

شناسه مصوبه: ۲۷۴۲ رده بندی مصوبه: ۵/۹۹/۲۷۱/۵

مصوبه دویست و هفتاد و یکمین جلسه رسمی دوره پنجم شورای اسلامی شهر تهران به تاریخ سه شنبه بیست و یکم بهمن سال ۱۳۹۹ ماده واحده:

نظر به وظایف قانونی شورای اسلامی شهر تهران مندرج در ماده هشتم (۸۰) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن در خصوص شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و ارائه طرح‌های مربوط به مقامات مسئول و با عنایت به اینکه وفق ماده دوم (۲) قانون تأسیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، ثبت آثار ارزشمند منقول و غیرمنقول فرهنگی و تاریخی کشور در آثار ملی و فهرست‌های ذیربط از وظایف سازمان یاد شده می‌باشد و با توجه به ماده شصتم (۶۰) مصوبه برنامه پنجساله سوم توسعه شهر تهران که وفق آن شهرداری تهران ضمن لزوم توجه به امکان واجد ارزش تاریخی و طبیعی مکلف به تدوین برنامه عملیاتی احیای ساختار میراث طبیعی شهر شده است و با امعان نظر به موقعیت قرارگیری، سابقه تاریخی و محتوای طبیعی و اقلیمی محدوده آرامگاه و کوه بی‌بی‌شهربانو و پیرامون آن واقع در منطقه ۲۰، شهرداری تهران موظف است با استفاده از ظرفیت‌های شهرستان ری در ساختار نهادهای دولتی و با استناد به کاوش‌های باستانی این منطقه که وجود شهر قدیم ری در کوهپایه‌های بی‌بی‌شهربانو را به اثبات می‌رساند، با بررسی محدوده ثبتی آرامگاه بی‌بی‌شهربانو نسبت به فراهم کردن ساز و کار ثبت ملی میراث طبیعی کوه بی‌بی‌شهربانو (موضوع آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۲ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری) ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این مصوبه اقدام نماید. همچنین از هرگونه ساخت و ساز و گسترش صنایع در پیرامون آن جلوگیری و طرح‌های توسعه‌ای آتی در این محدوده را با رعایت اصول مندرج در اسناد فرادست اجرا نماید.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر تهران به موجب لایحه شماره ۱۶۰/۴۳۱۸ - ۱۴۰۰/۳/۸ توضیح داده است که:

۱- مصوبه مورد اعتراض با عنوان «الزام شهرداری تهران به فراهم کردن ساز و کار ثبت میراث طبیعی کوه بی‌بی‌شهربانو و با شناسه ۲۷۴۲ در دویست و هفتاد و یکمین جلسه رسمی دوره پنجم شورای اسلامی شهر تهران در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ به تصویب رسیده و مشخصات مندرج در دادخواست صحیح نمی‌باشد. با توجه به مراتب معروضه اتخاذ تصمیم شایسته مورد استدعاست.

صرف نظر از مراتب معروضه مصوبه «الزام شهرداری تهران به فراهم کردن ساز و کار ثبت میراث طبیعی کوه بی‌بی‌شهربانو» با توجه به مندرجات اصل ۱۰۰ قانون اساسی، بندهای ۴، ۶، ۱۹، ۲۰ و ۲۳ ماده ۸۰ (ماده ۷۱ سابق) قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن و بند ۲۲ ماده ۵۵ قانون شهرداری و همچنین مستندات قانونی مندرج در متن ماده واحده مربوطه به تصویب رسیده است.

۳- ماده واحده مصوبه مورد اعتراض مقرر می‌دارد: «نظر به وظایف قانونی شورای اسلامی شهر تهران مندرج در ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵/۳/۱ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن در خصوص شناخت کمبودها، نیازها و نارسایی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و ارائه طرح‌های مربوط، به مقامات مسئول و با عنایت به اینکه وفق ماده ۲ قانون تأسیس سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کشور، ثبت آثار ارزشمند منقول و غیرمنقول فرهنگی و تاریخی کشور در آثار ملی و فهرست‌های ذیربط از وظایف سازمان یاد شده می‌باشد و با توجه به ماده ۶۰ مصوبه برنامه پنجساله سوم توسعه شهر

که ذیلاً به آنها اشاره خواهد شد تصویب این طرح از سوی شورای شهر مخالف صریح قانون و همچنین حقوق حقه و قانونی شرکت موکل است. لذا با توجه به اهمیت فعالیت‌های شرکت سیمان تهران در صنعت سیمان و بالتبع در صنعت ساختمان و با توجه به دلایل ذیل از اعضای معزز آن هیأت تقاضای ابطال مصوبه غیرقانونی شورای شهر را داریم:

۱- اساساً موضوعی که در طرح شورای اسلامی شهر تهران تصویب شده است خارج از حدود اختیارات آن مرجع است و شورای شهر مطابق قانون صلاحیتی در این خصوص ندارد. اعضای شورای شهر در متن ماده واحده خود به ماده ۸۰ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران اشاره نموده‌اند که منطوق و مفهوم آن ماده به نظر ارتباطی با موضوع مانحن فیه ندارد. با توجه به نص ماده ۸۰ به نظر می‌رسد ماده ۷۰ مورد نظر اعضای شورا بوده است. حتی اگر ماده ۷۰ از قانون مذکور را ملاک بگیریم همچنان بر اساس متن ماده اخیر، وظایف و اختیارات شورای شهر به صورت حصری عنوان شده که در هیچ یک از موارد آن اختیار اقدام به ثبت ملی و یا حتی اختیار پیشنهاد و ارائه طرح به سایر نهادها از جمله شهرداری، جهت ثبت ملی آثار به شورا داده نشده است و مشخص نیست که اعضای شورای شهر دقیقاً بر چه مبنایی در امری که در نهایت نه به شهرداری بلکه به سازمان میراث فرهنگی کشور مربوط است مداخله نموده و شهرداری را با مصوبه‌ای غیرقانونی و خارج از حدود اختیارات ملزم به ثبت ملی کوه بی‌بی‌شهربانو نموده‌اند و حتی برای این موضوع نیز زمان تعیین کرده‌اند. لذا ابطال مصوبه موضوع شکایت از این حیث مورد تقاضا است.

۲- مصوبه شورای شهر با ماده ۲ قانون معادن و اصلاحات این قانون واصل ۴۴ و ۴۵ قانون اساسی هم مغایرت دارد. مطابق ماده ۲ قانون معادن و آخرین اصلاحات این قانون مصوب ۱۳۹۰ در راستای اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و نیز اصل ۴۵ قانون اساسی، مسئولیت اعمال حاکمیت دولت بر معادن کشور و حفظ ذخایر معدنی و نیز صدور اجازه انجام فعالیت‌های معدنی، مقرر در این قانون و نظارت بر امور مزبور و فراهم آوردن موجبات توسعه فعالیت‌های معدنی، دستیابی به ارزش افزوده مواد خام معدنی، توسعه صادرات مواد معدنی با ارزش افزوده، ایجاد اشتغال در این بخش و نیز افزایش سهم بخش معدن در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت است. لذا محرز می‌گردد که نظر به پیش‌بینی قانونگذار در خصوص نهاد متولی معادن، مداخله شورای شهر تهران در امور تخصیص یافته به وزارت صنعت، معدن و تجارت غیرقانونی بوده و مستوجب ابطال به نظر می‌رسد.

۳- در متن مصوبه به ماده ۶۰ از قانون برنامه سوم توسعه تهران هم اشاره شده است که این ماده نیز مجوزی جهت تصویب ماده واحده مورد اعتراض توسط شورای شهر نیست. با ملاحظه قانون تأیید خواهید فرمود که این استناد نیز صحیح به نظر نمی‌رسد چرا که اولاً: خطاب قانونگذار به شهرداری است و نه به شورای شهر لذا این قانون اختیاری به شورای شهر جهت تصویب ماده واحد موضوع شکایت را نمی‌دهد. ثانیاً: ماده ۶۰ برنامه سوم توسعه شهر تهران صراحتاً در خصوص کوه‌های البرز جنوبی است و نمی‌توان با تفسیر موسع ماده بدون در نظر گرفتن مصالح کشور و حقوق مکتسبه اشخاص و مصالح عمومی و لزوم حمایت از تولید ملی، دامنه اختیارات شورای شهر را به نحوی نامشروع و ناروا گسترش داد. ثالثاً: توجه آن هیأت را به این نکته جلب می‌نماییم که برنامه سوم توسعه از جمله قوانین موقت است و به دیگر سخن این قانون مقید به زمان بوده و علت تصویب قانون به این شیوه آن است که بعد از مضي زمان حقوق مکتسبه افراد قابل خدشه نباشد، لذا استناد به این ماده از این جهات نیز واجد ایراد است و بر اساس آن نمی‌توان یکی از شرکتهای مهم در عرصه تولید سیمان را بدون در نظر گرفتن توالی فاسد آن مانند بیکاری تعداد بسیاری از مردم و توقف تولید سیمان تعطیل نمود.

۴- این مصوبه توالی فاسد فراوانی دارد و با حق بهره‌برداری شرکت موکل از معادن بی‌بی‌شهربانو و سایر حقوق مکتسبه شرکت سیمان تهران نیز در تعارض است. بر اساس پروانه بهره‌برداری شماره ۲۱۵۵۲-۱۳۸۲/۲/۱۶ صادره از سوی سازمان صنعت، معدن و تجارت حق بهره‌برداری از کوه بی‌بی‌شهربانو به شرکت سیمان تهران اعطا شده است و این پروانه تا تاریخ ۱۴۰۴/۲/۱۴ دارای اعتبار است. موکل سال‌هاست به صورت قانونی و با سعی در حفظ و نگهداری از منابع طبیعی در این اراضی به فعالیت پرداخته و بر اساس گزارش‌های واصله از بخش فنی شرکت نیز تاکنون آسیبی به کوه بی‌بی‌شهربانو بر اثر فعالیت شرکت موکل وارد نیامده است. در ضمن استحضار داشته باشید سابقه فعالیت‌های شرکت موکل در اراضی بی‌بی‌شهربانو بنا به اسناد تقدیمی به تاریخ ۱۳۴۰ باز می‌گردد و در طول تمامی این سنوات شرکت سیمان تهران با رعایت دقیق موازین فنی و زیست محیطی متحمل هزینه‌های گزاف جهت تجهیز و نصب ملزومات استخراج و استحصال ماده اولیه سیمان از آن اراضی شده است. همچنین عنایت داشته باشید که شرکت سیمان تهران متعلق به بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی بوده و هزینه‌ها و عواید آن

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۹/۲۳ شماره دادنامه: ۲۵۳۳ شماره پرونده: ۹۹۰۰۱۷۰
مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری
شاکی: آقای امیر منصوری
موضوع شکایت و خواسته: ابطال بخشنامه شماره ۲۶۴۸۶۲/۱۵۵ - ۱۳۹۸/۹/۱۲
 مدیرکل منابع انسانی دانشگاه تهران
گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بخشنامه شماره ۲۶۴۸۶۲/۱۵۵ - ۱۳۹۸/۹/۱۲ مدیرکل منابع انسانی دانشگاه تهران را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

” به استحضار می‌رساند: در مورخ ۱۳۹۸/۸/۶ هیأت رئیسه دانشگاه تهران جلسه‌ای در خصوص استخدام کارمند در پردیس و دانشگاه تشکیل می‌دهد و طبق بخشنامه شماره ۲۶۴۸۶۲/۱۵۵ - ۱۳۹۸/۹/۲۱ مفاد صورتجلسه مصوب را به کلیه معاونین اداری و مالی پردیس‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز و مدیران ابلاغ می‌نماید که مفاد آن بدین شرح است: (استخدام کارمند در پردیس‌ها و دانشکده‌هایی که دارای اقوام و خویشاوندان سببی و نسبی (فرزند، پدر، مادر، همسر، خواهر، برادر، عروس و داماد) می‌باشد ممنوع بوده و همچنین استخدام اعضای هیأت علمی دانشگاه در گروه‌های آموزشی که اقدام و خویشاوندان سببی و نسبی دارند نیز ممنوع می‌باشد.) از آنجا که بخشنامه موصوف در تعارض آشکار با بند ۹ اصل ۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده و موجب پیدایش تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات ناعادلانه شده، از آن مرجع تقاضا نمودم با پذیرش این درخواست تصمیمات لازم را جهت ابطال این بخشنامه مبذول فرمایید.”

شاکی در پاسخ به اخطار رفع نقص به موجب لایحه تکمیلی که با شماره ۹۹ - ۱۷۰ - ۳ مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۰ در دفتر هیأت عمومی به ثبت رسیده اعلام کرده است که:

” به موجب مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۸/۶ هیأت رئیسه دانشگاه تهران، استخدام افراد خاص به واسطه انتساب به کارکنان حاضر دانشگاه ممنوع می‌باشد. با عنایت به آن که حسب فتوای حضرت امام خمینی (ره) عمل خلاف قانون جمهوری اسلامی ایران خلاف شرع تلقی می‌گردد و قانون چنین مضیقه‌ای را نپذیرفته است قهراً مصوبه مخالف شرع خواهد بود. همچنین استتینا کردن عده‌ای از شهروندان جمهوری اسلامی ایران از قسمتی از حقوق مشروع خود از جمله حق اختیار شغل به واسطه فعل فرد دیگر، اعمال تبعیض و رسمیت بخشیدن به سلب حقوق اجتماعی است که تنها از ناحیه شرع و قوانین متخذ از آن میسر است. در حالی که مصوبه فوق از ناحیه یک دستگاه اجرایی صادر شده که قانونگذار چنین اختیاری برای او وضع نکرده است. لذا اقدام دستگاه سلب حق شهروندان و خلاف شرع تلقی می‌شود.”

شاکی همچنین به موجب لایحه تکمیلی دیگری که با شماره ۹۹ - ۱۷۰ - ۹ مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۱ در دفتر هیأت عمومی به ثبت رسیده، اعلام کرده است که:

” به استحضار می‌رساند: مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۸/۶ هیأت رئیسه دانشگاه تهران در زمانی صادر شده که بخشنامه‌های وزارت متبوع به صراحت «تعریف» و «شیوه اقدام» تصمیم‌گیری در خصوص وابستگی مسئولان دانشگاهی را روشن کرده بود. به موجب این دو بخشنامه، مقصود از «وابستگی» صرفاً اعضای درجه یک خانواده هیأت رئیسه دانشگاه است و در خصوص سایر اعضای هیأت علمی محدودیتی تعریف نشده است. روش تصمیم‌گیری در خصوص وابستگی نیز ارجاع به «کمیسیون خاص» است که در بخشنامه تشریح شده و هیچ بحثی از ممنوعیت بررسی تقاضای این گروه از داوطلبان نشده است. مصوبه هیأت رئیسه دانشگاه تهران با ابلاغ «استخدام اعضای هیأت علمی دانشگاه در گروه‌های آموزشی که اقوام و خویشاوندان سببی و نسبی دارند ممنوع است» به جای اجرای بخشنامه‌های وزارت علوم برخی از داوطلبان را از حقوق قانونی خود محروم کرده است. تصمیم مصادیق وابستگی به «خویشاوندان سببی و نسبی» و توسعه شمول بخشنامه به «همه اعضای هیأت علمی» نافی متن صریح بخشنامه و فلسفه آن در حفظ حقوق قانونی افراد از طریق تعیین رویه خاص است. مصوبه دانشگاه تهران نافی حقوق مصرح افراد در قانون اساسی از جمله تساوی حق اشتغال مندرج در اصول ۲۹ و ۲۰ و حق داشتن شغلی که بدان مایل است مندرج در اصل ۲۸ است.”

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

” عنوان: بخشنامه به کلیه معاونین محترم اداری و مالی پردیس‌ها، دانشکده‌ها، مراکز و مدیران محترم موضوع بخشنامه در خصوص ممنوعیت استخدام اقوام و خویشاوندان درجه یک با سلام و احترام: با عنایت به بند ۱ صورتجلسه مورخ ۱۳۹۸/۸/۶ هیأت رئیسه دانشگاه در خصوص استخدام اقوام و خویشاوندان درجه یک کارمندان و اعضای هیأت علمی به اطلاع می‌رساند، استخدام کارمند در پردیس‌ها و دانشکده‌هایی که دارای اقوام و خویشاوندان سببی و نسبی (فرزند، پدر، مادر، همسر، خواهر، برادر، عروس و داماد) می‌باشند ممنوع بوده و همچنین استخدام اعضای هیأت علمی دانشگاه در گروه‌های

تهران که وفق آن شهرداری تهران ضمن لزوم توجه به اماکن واجد ارزش تاریخی و طبیعی مکلف به تدوین برنامه عملیاتی احیای ساختار میراث طبیعی شهر شده است و با معان نظر به موقعیت قرارگیری، سابقه تاریخی و محتوای طبیعی و اقلیمی محدوده آرامگاه و کوه بی‌بی شهربانو و پیرامون آن واقع در منطقه ۲۰ شهرداری تهران موظف است با استناد از ظرفیت‌های شهرستان ری در ساختار نهادهای دولتی و با استناد به کاوش‌های باستانی این منطقه که وجود شهر قدیم ری در کوهپایه‌های بی‌بی شهربانو را به اثبات می‌رساند، با بررسی محدوده ثبتی آرامگاه بی‌بی شهربانو نسبت به فراهم کردن ساز و کار ثبت ملی میراث طبیعی کوه بی‌بی شهربانو (موضوع آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۲ قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی و گردشگری) ظرف مدت سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این مصوبه اقدام نماید. همچنین از هرگونه ساخت و ساز و گسترش صنایع در پیرامون آن جلوگیری و طرح‌های توسعه‌ای آتی در این محدوده را با رعایت اصول مندرج در اسناد فرادست اجرا نماید.»

۴- ملاحظه می‌فرمایید مصوبه مورد اعتراض بر اساس قوانین و مقررات جاری تنظیم شده و مندرجات آن ضرورت اجرای قوانین و مقررات جاری و بالادستی در خصوص کوه بی‌بی شهربانو واقع در محدوده شهرداری تهران را به این شهرداری یادآوری می‌نماید. با توجه به مراتب معروضه فوق رد شکایت موضوع دادخواست تقدیمی مورد استدعاست.” در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۱۴۰۰/۷/۱۱-۸۸۱ مصوبه شماره ۲۷۴۲ - ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ تحت عنوان الزام شهرداری تهران به فراهم کردن ساز و کار ثبت میراث طبیعی کوه بی‌بی شهربانو مصوب شورای اسلامی شهر تهران به استثناء دو سطر آخر مصوبه مبنی بر جلوگیری از هرگونه ساخت و ساز و گسترش صنایع پیرامون آن را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به دو سطر آخر مصوبه شماره ۲۷۴۲ - ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شورای اسلامی شهر تهران مبنی بر منع ساخت و ساز و گسترش صنایع در محدوده آرامگاه و کوه بی‌بی شهربانو و پیرامون آن واقع در منطقه ۲۰ شهرداری تهران در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری، صدور پروانه برای کلیه ساختمان‌هایی که در شهر ساخته می‌شوند، از وظایف شهرداریها است و با توجه به حکم مقرر در بند قانونی مزبور، شهرداریها دارای اختیار جلوگیری از ساخت و ساز و گسترش صنایع نیستند و بر همین اساس دو سطر آخر مصوبه شماره ۲۷۴۲ - ۱۳۹۹/۱۱/۲۱ شورای اسلامی شهر تهران که متضمن منع ساخت و ساز و گسترش صنایع در محدوده آرامگاه و کوه بی‌بی شهربانو و پیرامون آن واقع در منطقه ۲۰ شهرداری تهران است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۹۹۰۰۱۷۰

۱۴۰۰/۱۰/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۵۳۳ مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ با موضوع: «بخشنامه شماره ۲۶۴۸۶۲/۱۵۵ - ۱۳۹۸/۹/۱۲ مدیرکل منابع انسانی دانشگاه تهران که متضمن ممنوعیت استخدام اشخاصی است که در دانشکده‌ها و پردیس‌های آن دانشگاه دارای خویشاوندان سببی و نسبی هستند، ابطال شد و اطلاق آن نیز در فروزی که مانع استخدام افرادی شده است که ضرورتی برای استخدام آنها در دانشگاه وجود داشته، به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

آموزشی که اقوام و خویشاوندان سببی و نسبی دارند نیز ممنوع می‌باشد. - مدیرکل منابع انسانی دانشگاه تهران "

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل امور حقوقی دانشگاه تهران به موجب لایحه شماره ۱۳۸۰۰۵ - ۱۳۹۹/۷/۷ توضیح داده است که:

"بخشنامه اداره کل منابع انسانی دانشگاه تهران که شاکه متقاضی ابطال آن است، در مقام ابلاغ بند ۱ مصوبه مورخ ۱۳۹۸/۸/۶ هیأت رئیسه دانشگاه تهران می‌باشد. مصوبه مذکور بدین شرح است:

«استخدام کارمندان در پردیس‌ها و دانشکده‌هایی که دارای اقوام و خویشاوندان سببی و نسبی (فرزند، پدر، مادر، همسر، خواهر، برادر، عروس و داماد) در آن واحد هستند، ممنوع است. استخدام اعضای هیأت علمی در گروه‌های آموزشی که دارای اقوام و خویشاوندان سببی و نسبی (فرزند، پدر، مادر، همسر، خواهر، برادر، عروس و داماد) در آن رشته هستند، ممنوع است.

مطابق مقررات فوق‌الذکر، یکی از مراحل استخدام و جذب کارمندان و اعضای هیأت علمی در دانشگاه تهران مصاحبه است. مصاحبه کارمندان در واحد محل مربوط و مصاحبه اعضای هیأت علمی در گروه و رشته مربوطه انجام می‌شود. ملاحظه می‌گردد این وضعیت زمینه اعمال نفوذ احتمالی و تضییع حقوق دیگر متقاضیان را فراهم می‌کند و مصوبه دانشگاه تهران جهت رفع این زمینه است. با عنایت به مراتب مذکور، نفوذ کارمندان و اعضای هیأت علمی در مرحله مصاحبه اقوام و خویشاوندان نه تنها دور از ذهن نیست بلکه امری محتمل است و هیأت رئیسه دانشگاه تهران به منظور پیش‌گیری از امکان اعمال نفوذ کارمندان (در واحد خود) و اعضای هیأت علمی (در رشته خود) در استخدام اقوام و خویشاوندان آنان مبادرت به تصویب این مصوبه نمود. این مصوبه نه تنها موجب تبعیض ناروا نبوده، بلکه از تبعیض ناروا پیش‌گیری کرده تا تمام شرکت‌کنندگان در آزمون‌های استخدامی دانشگاه تهران در شرایط مساوی قرار گیرند و کسانی که اقوام و خویشاوندان آنان در دانشگاه تهران خدمت می‌کنند از اولویت ناروا در واحد خود برخوردار نباشند.

در پاسخ به ادعای خلاف شرع بودن مقررره مورد شکایت، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۰۲/۲۷۲۵۰ - ۱۴۰۰/۶/۲ اعلام کرده است که:

"موضوع بخشنامه ۲۶۴۸۶۲/۱۵۵ - ۱۳۹۸/۹/۱۲ دانشگاه تهران در خصوص ممنوعیت استخدام اقوام و خویشاوندان درجه یک در پردیس‌ها و دانشکده‌های دانشگاه تهران، در جلسه مورخ ۱۴۰۰/۴/۲۱ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به شرح ذیل اعلام نظر می‌گردد: «اتفاق مصوبه مورد شکایت در مواردی که مانع استخدام کارمندان یا اعضای هیأت علمی در فروضی می‌شود که ضرورتی در استخدام آنها برای دانشگاه وجود دارد، خلاف شرع شناخته شد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ به ریاست معاون قضایی دیوان عدالت اداری در امور هیأت عمومی و با حضور معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۱۰۲/۲۷۲۵۰ - ۱۴۰۰/۶/۲ و در رابطه با جنبه شرعی بخشنامه شماره ۲۶۴۸۶۲/۱۵۵ - ۱۳۹۸/۹/۱۲ دانشگاه تهران در خصوص ممنوعیت استخدام اقوام و خویشاوندان درجه یک در پردیس‌ها و دانشکده‌های دانشگاه تهران اعلام کرده است که: «اتفاق مصوبه مورد شکایت در مواردی که مانع استخدام کارمندان یا اعضای هیأت علمی در فروضی می‌شود که ضرورتی در استخدام آنها برای دانشگاه وجود دارد، خلاف شرع شناخته شد.» ثانیاً: براساس بند ۹ اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی»، از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران است. ثالثاً: در ماده ۳ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران مصوب ۱۳۹۷/۶/۲۴ هیأت امنای دانشگاه تهران که شرایط عمومی و اختصاصی داوطلبان استخدام در دانشگاه تهران را بیان کرده و ماده ۲ آیین‌نامه استخدامی اعضای غیرهیأت علمی دانشگاه تهران مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۱۳ هیأت امنای دانشگاه تهران که استخدام اعضا را با توجه به اصل شایستگی و انتخاب اصلح امکان‌پذیر اعلام نموده و ماده ۴ آیین‌نامه مذکور که شرایط عمومی متقاضیان جذب و استخدام را بیان کرده، هیچگونه تصریحی در خصوص شرط عدم وجود اقوام و خویشاوندان سببی و نسبی در محل استخدام وجود ندارد. بنا به مراتب فوق، بخشنامه شماره ۲۶۴۸۶۲/۱۵۵ - ۱۳۹۸/۹/۱۲ مدیرکل منابع انسانی دانشگاه تهران که متضمن ممنوعیت استخدام اشخاصی است که در دانشکده‌ها و پردیس‌های آن دانشگاه دارای خویشاوندان سببی و نسبی هستند، مغایر با بند ۹ اصل سوم قانون اساسی و موازین مقرر در آیین‌نامه‌های صدرالاشاره و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸

بر خلاف آنچه شاکه در دادخواست تقدیمی بیان داشته، این مصوبه نه تنها خلاف بند ۹ اصل سوم قانون اساسی نبوده و موجب پدیدایش تبعیض ناروا و ایجاد امکانات ناعادلانه نیست، بلکه بر عکس، این مصوبه جهت تامین مصلحتی بالاتر، یعنی فراهم نمودن موجبات پیش‌گیری از ایجاد تبعیض ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای استخدام کلیه شرکت‌کنندگان در آزمون‌های استخدامی کارکنان و اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران می‌باشد. زیرا:

اول - مصوبه هیأت رئیسه دانشگاه تهران، یک مصوبه درون سازمانی و ناظر به کارکنان دانشگاه تهران است و نه متقاضیان استخدامی. به همین علت نیز این مصوبه، به‌عنوان یک بخشنامه به کارکنان و اعضای هیأت علمی دانشگاه تهران ابلاغ شده، چنانچه این مصوبه ناظر بر اشخاص خارج از سازمان و غیراز کارکنان دانشگاه بود، ضرورتی به ابلاغ این مصوبه در سامانه اطلاع‌رسانی کارکنان دانشگاه تهران نبود، بلکه در آگهی استخدامی دانشگاه تهران این مصوبه به متقاضیان استخدام اطلاع رسانی می‌شد. مطابق مصوبه مذکور هیچ‌گونه ممنوعیت و محدودیتی برای استخدام اشخاص، پس از طی فرآیندهای قانونی لازم ایجاد نشده است. بدیهی است پس از کسب مجوزهای قانونی استخدام و طی تشریفات لازم، هر شخص می‌تواند در فراخوان جذب و استخدام دانشگاه تهران شرکت نماید، مصوبه مذکور نیز هیچ‌گونه محدودیتی در این خصوص نداشته و ندارد. هدف از این مصوبه این بوده که کارکنان و اعضای هیأت علمی دانشگاه بدون طی فرآیندهای قانونی و شرکت متقاضی در فراخوان استخدام، تقاضای استخدام اقوام و خویشاوندان خود را در واحد و رشته مربوط به خود به جاری نکند.

دوم - این مصوبه، استخدام اقوام و خویشاوندان سببی و نسبی (فرزند، پدر، مادر، همسر، خواهر، برادر، عروس و داماد) کارمندان و اعضای هیأت علمی را در دانشگاه تهران به طور مطلق ممنوع اعلام نکرده است، بلکه صرفاً استخدام در واحدی که کارمند در آن اشتغال دارد و یا رشته‌ای که عضو هیأت علمی در آن مشغول خدمت است، برای اقوام و خویشاوندان آنان ممنوع است و متقاضیان می‌توانند در سایر رشته‌ها و یا واحدهای که اقوام و خویشاوندان ایشان در آن مشغول خدمت نیستند، استخدام شوند.

سوم - همانطور که قضات مستحضرنند، یکی از راه‌های اصولی مبارزه با فساد، ازبین‌بردن موقعیت‌های فسادآور و جرم‌زاست. یکی از این موقعیت‌های فسادآور، احتمال سوء استفاده مستخدمین مشاغل دولتی، از شغل و جایگاه اداری آنهاست. این امر سبب‌شده قانون‌گذار به منظور پیش‌گیری از سوء استفاده کارمندان از جایگاه شغلی، برای آنان محدودیت‌ها و تضییقاتی قائل شود و «لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی کشوری» را تصویب نماید. براساس این قانون، کارمندان دولت و اقوام و خویشاوندان آنان (پدر و مادر و برادر و خواهر و زن یا شوهر و اولاد بلافصل و عروس و داماد آنان) از شرکت در معاملات دولتی یا داوری در معاملات مذکور، ممنوع شده‌اند. همین مصلحت بوده تا حفظ آن مانعی جدی در برابر اصل آزادی قراردادهای تلقی شود و لایحه قانونی تصویب گردد. در واقع حفظ مصلحت بالادستی باعث می‌گردد، مصلحت شخصی کنار رود.

هیأت رئیسه دانشگاه تهران نیز در راستای قانون فوق‌الذکر و حفظ مصلحت مهمتر تلاش نموده تا موقعیت‌های تسهیل‌کننده اعمال نفوذ و فساد اداری را از بین ببرد و به منظور پیش‌گیری از اعمال نفوذ کارمندان و اعضای هیأت علمی در استخدام اقوام و خویشاوندان در رشته و واحد مربوط، مصوبه فوق‌الذکر را تصویب نماید. آشکار است که استخدام اقوام و خویشاوندان کارمندان و اعضای هیأت علمی، در رشته و واحد محل خدمت مستخدم، به جهت امکان اعمال نفوذ، احتمال رقابت سالم میان شرکت‌کنندگان را از بین برده و همین امر زمینه‌ساز بروز تبعیض ناروا میان متقاضیانی که اقوام و خویشاوندان آنان در دانشگاه مشغول خدمت هستند با سایر متقاضیان که از چنین

قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود و اطلاق آن نیز در فروضی که مانع استخدام افرادی شده است که ضرورتی برای استخدام آنها در دانشگاه وجود داشته، در حد نظریه فقهای شورای نگهبان خلاف شرع است و در اجرای حکم مقرر در تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری و با توجه به لزوم تبعیت از نظریه فقهای شورای نگهبان، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون مذکور از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

معاون قضایی دیوان عدالت اداری - مهدی دربین

شماره ۹۷۰۳۹۹۱

۱۴۰۰/۱۰/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۳۹۴/۸/۴ - شورای اسلامی شهر اصفهان و نامه شماره ۲۰/۱/۸۶۳۹۹ - ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ با موضوع: «مصوبه شماره ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۴ - شورای اسلامی شهر اصفهان و نامه شماره ۲۰/۱/۸۶۳۹۹ - ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۴ - استانداری اصفهان که متضمن موافقت با اخذ عوارض تفکیک توسط شورای اسلامی شهر اصفهان به تبعیت از نظر فقهای شورای نگهبان از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۹/۲۳ شماره دادنامه: ۲۵۴۴ شماره پرونده: ۹۷۰۳۹۹۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای فرهاد قنبری زاده

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه شماره ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ - ۱۳۹۴/۸/۴

شورای شهر اصفهان و نامه شماره ۲۰/۱/۸۶۳۹۹ - ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ استانداری اصفهان گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال مصوبه شماره ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ - ۱۳۹۴/۸/۴ شورای شهر اصفهان و نامه شماره ۲۰/۱/۸۶۳۹۹ - ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ استانداری اصفهان را خواستار شده است و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" تملک قسمتی از املاک و مستحدثات یا بهای آن در ازای عوارض تفکیک از قطعات کمتر از ۵۰۰ مترمربع بارها در سراسر کشور از جمله اصفهان به علت مغایرت با شرع و قانون توسط دیوان عدالت اداری باطل گردیده است. شورای اسلامی شهر اصفهان مجدداً موضوعات باطله را در قالب دو مصوبه دیگر به شماره‌های ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ و ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۴ - ۲۰/۱/۸۶۳۹۹ - ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۴ - استانداری اصفهان را خواستار شده است و غیرقانونی فوق و خسارات ناشی از آنها از قبیل اتلاف اساسی ابطال مصوبات تکراری و غیرقانونی فوق و خسارات ناشی از آنها از قبیل اتلاف وقت تخریب بنا و گرانی مصالح و اجرت کار که به منظور دریافت عوارض تفکیک به عمل آمده و اعاده وجوه دریافتی بابت عوارض تفکیک مورد استدعاست."

شاکي به موجب لایحه تکمیلی که به شماره ۹۷ - ۳۹۹۱ - ۹ مورخ ۱۳۹۸/۲/۸ در دبیرخانه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به ثبت رسیده اعلام کرده است که:

" الف - با تبصره ۳ از ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها مصوب ۱۳۹۰/۲/۷

ب - با اصل ۲۲ و ۴۷ قانون اساسی

ت - با مواد ۳۰، ۳۱ و ۳۲ قانون مدنی

د - با قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی و عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸

ج - با قانون تعیین و وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی شهرداری مصوب ۱۳۶۷ کاملاً در تعارض آشکار و صریح می‌باشند.

اخذ وجه اجباری شهرداری از شهروندان به موجب مصوبات مذکور، مبالغ متناهی از قیمت عصره ملک می‌شود. با عنایت به احکام بیع در قانون مدنی و رساله امام خمینی(ره) خرید و فروش بایستی اختیاری و در کمال آزادی و رغبت انجام گیرد. در غیراین صورت از موارد غصب محسوب می‌شود. حکم خلاف شرع بودن قضیه توسط فقهای شورای نگهبان در دادنامه شماره ۹۶۴ - ۱۳۸۶/۹/۱۱ به خوبی بیان گردیده است. در ضمن شهرداری مذکور ۷ مترمربع عقب‌نشینی را هم مجانی می‌خواهد. در تبصره ۶ مصوبه ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ ضمیمه آمده است عوارض تفکیک موضوع این مصوبه صرفاً در مورد اراضی است و به اعیانها و ساختمانها و مجتمع‌های مسکونی تسری ندارد. برخلاف همین تبصره شهرداری مذکور از ملک شاکي که دارای سند شش‌دانگ ساختمانی است برابر رسید شماره

متن مقرر مورد شکایت به شرح زیر است:

" جناب آقای امینی

رئیس محترم شورای اسلامی شهر اصفهان

سلام علیکم

پس از حمد خدا و درود و صلوات بر محمد و آل محمد، با مفاد نامه‌های مطروحه زیر در خصوص تعرفه‌های عوارض محلی پیشنهادی آن شورای محترم که بر اساس بند ۱۶ ماده ۷۱ و ماده ۷۷ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شورای اسلامی کشور مصوب سال ۱۳۷۵ و اصلاحات بعدی آن پیشنهاد شده، به استناد بند ۱۱ تفویض اختیار شماره ۱۱۸۳۸۶/۱۳/۳۴ - ۱۳۹۲/۱۰/۱۴ وزیر کشور با رعایت اصلاحات و نکات زیر موافقت می‌گردد. لذا مقتضی است دستور فرمایید تعرفه‌های مورد قبول حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۱۵ اعلام عمومی شود و نسبت به الحاق و جایگزینی تعرفه‌های اصلاحی به جای تعرفه‌های قبلی اقدام قانونی به عمل آید. ضمناً ضرورت دارد نظارت و مراقبت کامل و کافی بر اجرای آن از ابتدای سال ۱۳۹۵ به عمل آورده و از دریافت هرگونه وجهی اضافه بر تعرفه‌های مصوب و موارد تصریح شده در قوانین و مقررات جداً خودداری نمایند:

الف: در خصوص تعرفه پیشنهادی وصول عوارض قطعات تفکیک باقی مانده اراضی با مساحت تا ۵۰۰ مترمربع موضوع نامه شماره ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ - ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ آن شورای با رعایت اصلاحات و نکات زیر مورد موافقت قرار گرفت:

۱- با عوارض بندهای یک تا هفت مصوبه موضوع نامه‌ی پیش گفته آن شورا به میزان ۲۰ برابر قیمت منطقه‌بندی موافقت می‌گردد.

۲- در خصوص اراضی ساخته شده قبل از سال ۸۳ طبق مصوبه شماره ۲۸/۱۱۰/۴۱۵۸ - ۱۳۸۴/۱۱/۱۹ آن شورای اقدام شود.

۳- در خصوص سایر اراضی با مساحت تا ۵۰۰ مترمربع خارج از شمول قانون اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداری با ضریب ۴۰ برابر قیمت منطقه‌بندی در مناطق ۱۵ گانه شهر اصفهان با رعایت توضیحات و تبصره‌های یک تا شش به غیر از تبصره ۲ ذیل بند ۹ نامه شورای اسلامی شهر اصفهان محاسبه و وصول شود. (مفاد تبصره ۲ ذیل بند ۹ نامه مذکور مورد موافقت نمی‌باشد).

بدیهی است برای هر پلاک صرفاً یک مرتبه محاسبه عوارض تفکیک امکان‌پذیر بوده و در صورت شمول ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری‌ها به یک پلاک مبلغ دیگر بابت عوارض تفکیک قابل محاسبه و وصول نمی‌باشد.

ب - با مفاد نامه شماره ۲۸/۹۴/۳۹۷۲ - ۲۸/۹۴/۱۰/۱ آن شورای در خصوص تعرفه پیشنهادی نحوه محاسبه یک واحد پارکینگ برای واحدهای تجاری و دفاتر کار با توجه به ضوابط طرح تفصیلی شهر اصفهان موافقت نمی‌گردد.

ج - با مفاد نامه شماره ۲۸/۹۴/۳۹۷۳ - ۲۸/۹۴/۱۰/۱۰ آن شورای در خصوص تعرفه پیشنهادی صدور مجوز تخریب و بازسازی واحدهای تجاری قدیمی و ساخته شده در کاربری‌های مختلف، موافقت نمی‌گردد.

د - با مفاد نامه شماره ۲۸/۹۴/۴۴۷۶ - ۲۸/۹۴/۱۱/۸ آن شورای با رعایت اصلاحات و نکات زیر موافقت می‌گردد:

۱- عدم موافقت با تبصره یک پیشنهادی شهرداری که در مصوبه آن شورا نیز تعیین تکلیف نشده است.

۲- تبصره پنج لایحه پیشنهادی شهرداری که به تصویب شورای شهر اصفهان نیز رسیده، در صورتی که عوارض کسب و پیشه سالیانه توسط شهرداری در موعد قانونی به مؤدی ابلاغ و مؤدی از پرداخت آن خودداری نماید عوارض مذکور به نرخ سال بعد از دوره زمانی ابلاغ شده به مؤدی قابل محاسبه و وصول بوده قابلیت اجرایی خواهد شد. لذا ضرورت دارد مراتب در قبوض کسب و پیشه صادره سالیانه توسط شهرداری قید و به اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی شهر اصفهان نیز در ابتدای سال اطلاع رسانی شود.

هـ - با مفاد نامه شماره ۲۸/۹۴/۴۵۲۰ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۱ آن شورای در خصوص تعرفه پیشنهادی عوارض ارزش افزوده بر تراکم‌های ساختمانی با رعایت نکات و موارد زیر موافقت می‌شود:

۱- با عنایت به احداث خیابانهای جدید در مناطق ۷ و ۱۴ شهرداری که باعث تغییر و تحول کلی در قیمتهای این دو منطقه گردیده، با جداول پیشنهادی ارزش افزوده بر تراکم‌های ساختمانی در کاربریهای مسکونی و تجاری این دو منطقه طبق مصوبه شورای اسلامی شهر اصفهان عیناً موافقت می‌گردد.

۲- در سایر مناطق شهر اصفهان با افزایش‌های انجام شده تا سقف بیست درصد در کاربری‌های مسکونی و در کاربری‌های تجاری تا سقف ۲۵ درصد مورد موافقت بوده و پلاکهای بر (اول) خیابانهای جدیدالاحداث در سال ۱۳۹۴ پیشنهاد آن شورا تأیید می‌گردد.

نکته ۱: قیمت ردیفهایی که کمتر از حداکثر اعلامی پیشنهاد افزایش داشته، مطابق مصوبه آن شورا اقدام شود.

نکته ۲: برای مترژ زیربنای مشمول عوارض ارزش افزوده بر تراکم ساختمانی عوارض زیرینا قابل محاسبه وصول نمی‌باشد.

۶ - با مفاد نامه شماره ۲۸/۹۴/۴۵۲۸ - ۱۳۹۴/۱۱/۱۲ شورای اسلامی شهر اصفهان در خصوص استفساریه شهردار مبنی بر اصلاح بند (الف) تبصره یک دفترچه ارزش افزوده بر تراکم ساختمانی مسکونی با رعایت ضوابط و قوانین و مقررات مربوطه موافقت می‌گردد. ضمناً در کلیه عوارضات محلی که بر مبنای قیمت منطقه‌بندی تعیین و محاسبه می‌شود ملاک محاسبه در سال ۱۳۹۵ قیمت منطقه‌بندی سال ۱۳۹۴ می‌باشد و کلیه جداول مربوط به عوارض ارزش افزوده بر تراکم‌های ساختمانی و کسب و پیشه ممهور به مهر آن شورا و دفتر امور شهری و شوراهاست.

در پاسخ به شکایت مذکور، مدیرکل دفتر بازرسی مدیریت عملکرد و امور حقوقی استانداری اصفهان به موجب لایحه شماره ۲۰/۱۴/۳۶۴۹۲ - ۱۴۰۰/۴/۲۲ توضیح داده است که: "بازگشت به ابلاغیه مورخ ۱۴۰۰/۳/۱۲ موضوع پرونده شماره ۹۷۰۹۹۸۰۹۰۵۸۰۲۰۸ و کلاسه ۹۷۰۳۹۹۱ در خصوص شکایت آقای فرهاد قنبری زاده به استحضار می‌رساند، پاسخ قبلاً طی شماره ۲۸/۹۸/۲۳۷۳ - ۱۳۹۸/۷/۴ شورای اسلامی شهر اصفهان عنوان آن مرجع ارسال گردیده و به قرار زیر است:

"مصوبه شورای اسلامی شهر اصفهان از نظر مبنا متفاوت از مصوبات شورای اسلامی سایر شهرها بوده و در راستای اجرای ماده ۱۰۱ قانون شهرداری به تصویب رسیده و مغایرت و تعارضی با ماده قانونی مذکور ندارد. با این توضیح که:

اولاً: مصوبه مورد اعتراض درخصوص اراضی است که مشمول ماده ۱۰۱ قانون مرقوم می‌باشند لکن به سبب آنکه: الف - اراضی مذکور از سوی مالکین به صورت غیرقانونی و بدون نظارت شهرداری تفکیک گردیده‌اند. ب - در وضعیت فعلی به لحاظ خرد شدن پلاک اصلی امکان اعمال و اجرای ماده ۱۰۱ برای ایشان فراهم نگردیده است. پ - هیچ‌گونه سهمی بابت تفکیک پلاک اصلی تاکنون به شهرداری پرداخت نشده به تصویب رسیده است. موید مراتب فوق بند ۱ مصوبه مذکور می‌باشد که عنوان داشته «تفکیک‌هایی که به تأیید شهرداری رسیده و ممهور به مهر واحد شهرسازی است، مشمول تعلق عوارض تفکیک نمی‌باشند.» بنابراین آنچه مسلم و غیرقابل انکار است اینکه مالکین اراضی یاد شده قانوناً مکلف به پرداخت سهم تفکیک به شهرداری بوده و مصوبه مذکور راهکاری است برای اخذ عوارضی که وصول آن طبق قانون بر ذمه تفکیک‌کننده قرار گرفته و از آن بابت مکلف به پرداخت آن می‌باشد. لذا مصوبه شورای اسلامی شهر اصفهان نه تنها مغایرتی با قوانین و مقررات ندارد بلکه صرفاً در جهت اجرا و اعمال ماده ۱۰۱ قانون شهرداری بوده است.

ثانیاً: در برخی از موارد مالکین علی‌رغم عدم اجرای تکلیف قانونی و بدون پرداخت حقوق قانونی متعلقه موفق به اخذ سند رسمی مالکیت از طریق ماده ۱۴۷ قانون ثبت اسناد و املاک شده و نتیجه این امر، تشکیل پلاک‌هایی است که مغایرت فاحشی با اصول و ضوابط شهرسازی و بالاخص عدم لحاظ شوارع و معابر و سهم خدماتی خواهد داشت. به بیان دیگر عدم مراجعه به شهرداری در هنگام تفکیک موجب عدم رعایت اصول و ضوابط شهرسازی مربوط به تفکیک پلاکها می‌گردد. لذا تصویب مصوبه مورد اعتراض به جهت نظارت بر تفکیک پلاکها مطابق اصول و ضوابط شهرسازی و رعایت سهم خدماتی، معابر و شوارع و سایر مقررات مربوطه بوده و مغایرتی با قوانین و مقررات ندارد.

ثالثاً: همان‌طور که مستحضردید هیأت تخصصی دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۱۳۹۷/۵/۳۰ - ۹۷۰۹۹۷۰۹۰۶۰۱۰۱۲۱ صراحتاً تهیه دستورالعمل توسط شورای اسلامی شهرها در جهت اجرای ماده ۱۰۱ قانون شهرداری را مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص نموده است و شکایت مطروحه در خصوص مصوبه شورای اسلامی شهر گرگان را رد نموده است.

رابعاً: مبنا قرار دادن ماده ۱۰۱ قانون شهرداری در مورد اخذ عوارض اراضی کمتر از ۵۰۰ متر نمی‌تواند صحیح باشد، زیرا ماده ۱۰۱ صرفاً در مقام بیان نحوه پرداخت حق‌السهم شهرداریها از اراضی بیشتر از ۵۰۰ متر است و حکومتی بر سایر اراضی و اخذ عوارض از اراضی کمتر از ۵۰۰ متر که تخصصاً از شمول ماده ۱۰۱ خارج هستند ندارد و در واقع آنچه در شورای اسلامی شهر اصفهان تصویب شده مبتنی بر قواعد کلی مربوط به وضع عوارض و اختیارات شوراها در این باب از جمله بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون شوراها و تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده است که مانع قانونی ندارد.

در پاسخ به ادعای شاکیان مبنی بر خلاف شرع بودن مقررات مورد شکایت، قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۹/۱۰۲/۲۱۸۰۱ - ۳۹۹/۱۱/۲۶ اعلام کرده است:

"موضوع کل مصوبه شماره ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ - ۱۳۹۴/۸/۴ شورای اسلامی شهر اصفهان در خصوص چگونگی محاسبه و وصول عوارض قطعات تفکیکی باقیمانده اراضی با مساحت ۵۰۰ مترمربع و نامه شماره ۲۰/۱۱/۸۶۳۹۹ - ۱۳۹۴/۱۲/۱۴ وزارت کشور در خصوص تأیید مصوبه مذکور، در جلسه مورخ ۱۳۹۹/۱۰/۲۵ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که به شرح ذیل اعلام نظر می‌گردد:

در صورتی که شورای اسلامی شهر اصفهان از جهت قانونی حق جعل عوارض مذکور را داشته باشد و عوارض وضع شده متضمن اجحاف نباشد، مصوبه مورد شکایت و به تبع آن، نامه وزارت کشور در حدود تأیید مصوبه مذکور، خلاف شرع نمی‌باشد. تشخیص این امر بر عهده دیوان عدالت اداری است."

در خصوص خواسته دیگر شاکای مبنی بر ابطال مصوبه شماره ۳۰۶۰/۹۴/۲۸ - ۱۳۹۴/۸/۴ شورای اسلامی شهر اصفهان به جهت اینکه موضوع بیشتر در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری رسیدگی شده و منتهی به صدور دادنامه شماره ۱۱۵۲ - ۱۳۹۹/۹/۲۵ صادر شده است بنابراین معاون قضایی دیوان عدالت اداری در اجرای ماده ۸۵ قانون دیوان عدالت اداری طی دادنامه شماره ۲۲۹۵ - ۱۴۰۰/۸/۲۲ قرار رد شکایت به واسطه رسیدگی قبلی و انتفاء رسیدگی مجدد صادر کرده است ولی مصوبه مذکور از بُعد شرعی در دستورکار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

با توجه به اینکه در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۳۱۵ - ۱۳۹۶/۴/۱۳ این هیأت، وضع عوارض برای تفکیک در تمام اشکال آن توسط شوراها و اراضی اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است و از طرفی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری پیشتر به موجب دادنامه شماره ۱۱۵۲ - ۱۳۹۹/۹/۲۵ مصوبه شماره ۲۸/۹۴/۳۰۶۰ - ۱۳۹۴/۸/۴ را به دلیل مغایرت با قانون و خارج بودن از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر ابطال کرده است، بنابراین مصوبه یاد شده شورای اسلامی شهر اصفهان و نامه شماره ۲۰/۱۱/۸۶۳۹۹ - ۱۳۹۴/۱۲/۱۴ استانداری اصفهان که متضمن موافقت با اخذ عوارض تفکیک توسط شورای اسلامی شهر اصفهان است، به دلیل اینکه مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر و استانداری اصفهان وضع شده، حسب نظر شورای نگهبان خلاف شرع نیز هست، مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۴۰۵

۱۴۰۰/۱۰/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبر پور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۵۴۹ مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ با موضوع: «اطلاق قسمتی از بند ۱۰ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر دلیجان که تحت عنوان عوارض قدرالسهم شهرداری ناشی از تفکیک و افراز اراضی و املاک داخل محدوده و حریم شهر در حدی که متضمن اخذ حق‌السهم از اراضی شش دانگ کمتر از ۵۰۰ مترمربع است ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۹/۲۳ شماره دادنامه: ۲۵۴۹ شماره پرونده: ۹۹۰۲۴۰۵

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: خانم پریسا ابراهیمی منفرد با وکالت آقای علی دلاوری

موضوع شکایت و خواسته: ابطال قسمتی از بند ۱۰ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر دلیجان تحت عنوان عوارض قدرالسهم شهرداری ناشی از تفکیک و افراز اراضی و املاک داخل محدوده و حریم شهر

گردش کار: آقای علی دلاوری به وکالت از شاکی به موجب دادخواستی ابطال قسمتی از بند ۱۰ عوارض سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر دلیجان مبنی بر وضع عوارض قدرالسهم شهرداری ناشی از تفکیک و افراز اراضی و املاک داخل محدوده و حریم شهر را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

"احتراماً به استحضار می‌رساند تبصره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ بند ۱۰ تعرفه عوارض شهرداری دلیجان مصوبه شورای اسلامی شهر دلیجان مبنی بر عوارض قدرالسهم شهرداری ناشی از تفکیک و افراز اراضی و املاک داخل محدوده و حریم شهر با توجه به مدارک و ادله ابرازی، مغایر با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در ارتباط با عوارض تفکیک عرصه، بر اساس دادنامه‌های متعدد دیوان عدالت اداری تعیین و دریافت عوارض تفکیک عرصه، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شوراهای اسلامی شهرها تشخیص داده شده است. با توجه به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آرای مشابه اخذ چنین وجوهی در شهرهای دیگر را خلاف قانون قلمداد کرده اصل عدالت و حفظ حقوق شهروندی نیز اقتضاء می‌کند وقتی اخذ عوارضی از شهروندان بخشی از این سرزمین که در مغایرت با قانون شناخته شده نمی‌توان اخذ همان وجه را از مردمان شهر دیگر جایز و قانونی قلمداد کرد. چرا که این امر با اصل ۲۰ و بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر یکسانی افراد در برابر قانون مغایر است. نمونه‌های آرای ابطال برای تفکیک عرصه و اعیان توسط هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

۱- دادنامه شماره ۳۹- ۱۳۹۲/۱/۲۶ مبنی بر ابطال اطلاق بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۸ تعیین عوارض محلی سال ۱۳۸۹ شورای اسلامی شهر اردبیل مبنی بر دریافت عوارض ناشی از تفکیک از این حیث شامل اراضی کمتر از ۵۰۰ مترمربع می‌شود. ۲- دادنامه شماره ۶۸۶ الی ۶۹۵- ۱۳۹۵/۹/۱۶ ابطال تعرفه عوارض شورای اسلامی شهرهای مختلف در خصوص وضع تفکیک (اعم از عرصه و اعیان). ۳- دادنامه شماره ۱۳۱۳- ۱۳۹۵/۱۲/۱۰ مبنی بر ابطال ماده ۱۷ تعرفه عوارض خدمات شورای اسلامی شهر گرگان سال ۱۳۹۴ به بعد از تاریخ تصویب در خصوص وضع عوارض تفکیک اراضی تا ۵۰۰ متر در اجرای مقررات ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲. ۴- رأی شماره ۶۴۷ دیوان عدالت اداری «... ب- نظر به اینکه مطابق ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب سال ۱۳۸۰ اخذ هرگونه وجه، کالا و خدمات توسط دستگاه‌های اجرایی به تجویز قانونگذار منوط شده است و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به موجب دادنامه‌های شماره ۳۱۳- ۱۳۹۹/۲/۲۳، ۲۷۵- ۱۳۹۱/۵/۱۶، ۴۹۲- ۱۳۸۹/۱۱/۴، ۳۹۳- ۱۳۸۹/۹/۲۹، ۹۶۴- ۱۳۸۶/۹/۱۱، ۲۱۸- ۱۳۸۷/۴/۹ و ۴۵۹- ۱۳۸۹/۱/۲۰ مصوبات شوراهای اسلامی تعدادی از شهرهای کشور را (مبنی بر دریافت قسمتی از اراضی و یا بهای آن به ازای هزینه خدمات تفکیک و افراز) ابطال کرده است. بنابراین با توجه به حکم قانونی یاد شده و یا وحدت ملاک از آراء مذکور قسمت (الف) و بندهای ۱، ۲، ۳ و ۶ قسمت (ب) مصوبه معترض عنه خلاف قانون تشخیص داده می‌شود و با استناد به بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۲۰ و ۴۲ قانون دیوان عدالت اداری از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.» ۵- رأی شماره ۴۵۹- ۱۳۸۹/۱/۲۰ ابطال مصوبه چهل (پ) کمیسیون مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۱۷ شورای اسلامی شهر قم مبنی بر اخذ ۴۰ درصد قیمت منطقه‌ای به عنوان توافق با بهای خدمات تفکیک شورای اسلامی شهر قم. ۶- رأی شماره ۲۴۴- ۱۳۹۵/۴/۱ ابطال بندهای ۳، ۴ و ۵ بخش ۱۲ فصل دوم تعرفه عوارض و بهای خدمات شورای اسلامی شهر کرج در سال ۱۳۹۴ در مورد وضع عوارض تفکیک عرصه شورای اسلامی شهر کرج.

الف - به موجب تبصره ۱ بند ۱۰ تعرفه عوارض مذکور ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها عطف به ماسبق گردیده است و اراضی تفکیک شده از تاریخ ۱۳۶۹/۱/۱۶ تا ۱۳۹۰/۲/۲۸ را نیز شامل گردیده است. ب- بنا بر تبصره ۴ همان بند برای تفکیک‌هایی که بنابر قانون و بر اساس آراء دادگاه صورت پذیرفته است وضع عوارض گردیده است که نوعی تقنین و برخلاف تبصره ۵ ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها می‌باشد چه اینکه تبصره اخیر تفکیک برخلاف قانون را جرم انگاری نموده حال آن که شورای اسلامی شهر دلیجان بر آن جرم وضع عوارض نموده است که قاعدتاً مجاز به وضع چنین عوارضی نبوده و نیست. ج- تبصره ۴ تعرفه مذکور حدنصابی برای دریافت عوارض تعیین ننموده و موجبی جهت دور زدن قانون برای شهرداری دلیجان و اخذ عوارض برای اراضی کمتر از ۵۰۰ متر خلاف ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداریها و تبصره‌های آن گردیده است. د- تبصره ۲ تعرفه

مصوبه از تاریخ تصویب مورد استدعاست.
متن مقرر در مورد شکایت به شرح زیر است:
" ۱۰ - نام عوارض: قدرالسهم شهرداری ناشی از تفکیک و افراز اراضی و املاک داخل محدوده و حریم شهر

ردیف	نوع عوارض	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض
	قدرالسهم شهرداری از بابت خدمات و معابر عمومی موضوع تبصره ۲ قانون اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداری	طبق تبصره ۲ ماده ۱۰۱ قانون شهرداری

تبصره ۱: اراضی که قبل از ۱۳۶۹/۱/۱۶ (بخشنامه ۹۴۴/۱/۲/۳۴ وزارت کشور)، تفکیک و یا افراز گردیده‌اند مشمول پرداخت این تعرفه نخواهند شد.

تبصره ۲: شهرداری مکلف به رعایت مفاد ماده قانون اصلاحیه ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها و تبصره‌های ۱، ۲ و ۴ آن می‌باشد.

تبصره ۳: شهرداری مجاز است با توافق مالک قدرالسهم مربوط به خدمات و معایر عمومی را بر اساس قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید.

تبصره ۴: چنانچه بعد از لازم‌الاجرا شدن قانون اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها متعاقب مراجعه مالک به شهرداری مشخص شود که مالک یا مالکین بدون تأیید نقشه تفکیکی یا افزاری توسط شهرداری و پرداخت سهم زمین مربوطه، از طریق مراجع دیگر منجمله دادگاه، اداره ثبت اسناد و... نسبت به تفکیک و یا افراز ملک خود اقدام نموده باشند. شهرداری مجاز است پس از تأمین معبر مورد نیاز به میزان ۱۵ درصد از مساحت قطعهای که سند دریافت نموده به قیمت روز زمین طبق نظر کارشناسی محاسبه و دریافت نماید. " علی‌رغم ارسال و ابلاغ نسخه دوم دادخواست و ضامناً آن برای طرف شکایت تا زمان رسیدگی به پرونده هیچ پاسخی واصل نشده است.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به موجب دادنامه شماره ۹۱۹ - ۱۴۰۰/۸/۸ تبصره‌های ۱، ۲ و ۳ بند ۱۰ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ شهر دلیجان به استثناء اطلاق آن نسبت به اراضی با مساحت زیر ۵۰۰ متر که دارای سند شش‌دانگ ثبتی است را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به قسمتی از بند ۱۰ عوارض سال ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر دلیجان مبنی بر وضع عوارض قدرالسهم شهرداری ناشی از تفکیک و افراز اراضی و املاک داخل محدوده و حریم شهر در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

قانونگذار براساس ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری و تبصره ۳ ماده مذکور مصوب ۱۳۹۰/۱/۲۸ مقرر کرده است که در اراضی با مساحت بیشتر از ۵۰۰ مترمربع که دارای سند شش دانگ است، شهرداری برای تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی تا سقف بیست و پنج درصد و برای تأمین اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر عمومی شهر در اثر تفکیک و افراز این اراضی مطابق با طرح جامع و تفصیلی با توجه به ارزش افزوده ایجادشده از عمل تفکیک برای مالک، تا بیست و پنج درصد از باقیمانده اراضی را دریافت می‌نماید و شهرداری مجاز است با توافق مالک قدرالسهم مذکور را براساس قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید. با توجه به حکم مقرر در ماده مذکور، اطلاق قسمتی از بند ۱۰ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ شهرداری دلیجان که تحت عنوان عوارض قدرالسهم شهرداری ناشی از تفکیک و افراز اراضی و املاک داخل محدوده و حریم شهر به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، در حدی که متضمن اخذ حق‌السهم از اراضی شش دانگ کمتر از ۵۰۰ مترمربع است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۲۵۵۸

۱۴۰۰/۱۰/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۵۵۰ مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ با موضوع: «بند ۱-۷ و گام ۹ از شیوه‌نامه تملک املاک توسط شهرداری اراک (موضوع نامه شماره ۹۸۱/۵۲۶/ش - ۱۳۹۸/۳/۱۹ رئیس شورای اسلامی شهر اراک) که متضمن عدم پذیرش نظریه هیأت سه نفره کارشناسان رسمی دادگستری است از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی‌فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۹/۲۳ شماره دادنامه: ۲۵۵۰ شماره پرونده: ۹۹۰۲۵۵۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای ایمان قوامی فرد

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۷ - ۱ و گام ۹ از شیوه‌نامه تملک املاک

توسط شهرداری شهر اراک به شماره ۹۸۱/۵۲۶/ش - ۱۳۹۸/۳/۱۹ مصوب شورای اسلامی شهر اراک

گردش کار: شاکی به موجب دادخواستی ابطال بندهای ۶ - ۱، ۷ - ۱، ۹ - ۱ و گام ۹

از شیوه‌نامه تملک املاک توسط شهرداری شهر اراک به شماره ۹۸۱/۵۲۶/ش - ۱۳۹۸/۳/۱۹ مصوب شورای اسلامی شهر اراک را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته به طور خلاصه اعلام کرده است که:

" احتراماً مستنداً به قسمت اخیر اصل ۱۷۰ قانون اساسی و نیز تبصره ماده ۸۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری خاطر آن مقام و قضات دیوان عدالت اداری را مستحضر می‌دارم نظر به اینکه مصوبه شیوه‌نامه تملک در شهرداری اراک مصوب شورای اسلامی اراک و قسمت‌هایی از آن تحت شماره فوق مندرج در ستون موضوع شکایت، برخلاف قانون و خارج از حدود اختیار تصویب گردیده است، بدین وسیله تقاضای ابطال آن را از تاریخ تصویب مشروحاً به تفصیل مرقوم ذیل الذکر می‌نمایم. جهات و ادله ابطال مصوبه:

نظر به اینکه اجرای طرح‌های عمومی و عمرانی شهری منجر به سلب حقوق مالکانه اشخاص می‌گردد، لذا مشمول اصول ۲۲، ۴۶ و ۴۷ قانون اساسی و نیز مواد ۳۰ و ۳۱ قانون مدنی در باب لزوم رعایت حرمت حقوق مالکانه اشخاص می‌باشد. مستحضرید وفق لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ و نیز ماده واحده قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰، تملک اراضی و املاک اشخاص به دو نوع توافقی و غیرتوافقی (قهری) می‌باشد که در بادی امر، دستگاه مجری یا شهرداری باید به مالک وارد گفتگو و توافق شود و حتی مساعی خود را در حد کامل به کار گیرد و در صورت عدم توافق و یا عدم رضایت مالک به هر نحوی که رنگی از لجاجت و سوء استفاده به خود گیرد، شهرداری مجاز به تملک غیرتوافقی یا قهری است. قیمت روز ملک اشخاص حداقل حقی است که برای مالک وجود دارد و خسارات و غرامات ناشی از سلب مالکیت، بر فرض تادیه قیمت واقعی روز به مالک، بلاجبران باقی می‌ماند. از همین رو است که قانونگذار شهرداریها را مکلف نموده که ابتدائاً با مالک در باب قیمت و بهای ملک اشخاص وارد توافق شوند و اهتمام و تلاش بایسته را که لزوم حرمت حقوق مالکانه را ابقاء نماید انجام دهند و سپس تملک خود را انجام دهند.

حسب صراحت ماده ۳ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸ «بهای عادلانه اراضی، ابنیه، مستحذات، تاسیسات و سایر حقوق و خسارات وارده از طریق توافق بین دستگاه اجرایی و مالک یا مالکین و صاحبان حقوق تعیین می‌گردد.» همچنین وفق ماده واحده قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰/۸/۲۸ «در کلیه قوانین و مقرراتی که شهرداریها مجاز به تملک ابنیه، املاک و اراضی قانونی مردم می‌باشند، در صورت عدم توافق بین شهرداری و مالک، قیمت ابنیه، املاک و اراضی بایستی به قیمت روز تقویم پرداخت شود.» همچنین وفق ماده ۳۱ قانون مدنی «هیچ مالی را از تصرف صاحب آن نمی‌توان بیرون کرد مگر به حکم قانون» لذا قوانین ومقررات امری آن اقتضاء دارد که اولاً: با مالک توافق شود و علاوه بر آن فحوا و روح حاکم بر قانون اقتضاء دارد رضایت مالک از طریق توافق جلب شود و در صورت عدم امکان و یا لجاجت و عدم تمکین به قانون و یا زیاده خواهی شخص، از طریق غیرتوافقی وارجاع به هیأت کارشناسان که در تباصر ماده واحده فوق، ضوابط آن مقرر شده تملک صورت پذیرد. شایان ذکر است همان گونه که استحضار دارند عدم تأمین توافقی حقوق مالکانه اشخاص و عدم التزام شهرداری به انجام تکالیف مزبور تالی فاسد داشته به گونه‌ای که شهرداری مالکین را در وضعیتی قرار خواهد داد که ملزم به پذیرش قیمت تعیین شده و مورد قبول شهرداری شوند و خود سبب استفاده نامناسب از اهرم‌های قانونی تملک غیرتوافقی در بادی امر خواهد شد که ناعادلانه بوده و به جبران خسارات کامل نمی‌انجامد و خلاف اصل جبران کامل خسارت می‌باشد. لذا اصل بر توافق با مالک و استثناء بر تملک غیرتوافقی و از طریق هیأت کارشناسان است و لذا ترتیب متخذ از سوی واضع شیوه‌نامه و حذف توافق با مالک در بادی تملک، خلاف قانون و حرمت حقوق مالکانه اشخاص و عموم می‌باشد.

آنچه در گام هفتم و خصوصاً در بند ۷ - ۱ از سوی شورای اسلامی شهر، تحت عنوان طرح مجدد تملک در کارگروه املاک شهرداری پیرامون قیمت ارزیابی بر مبنای صرفه و صلاح شهرداری پیش‌بینی گردیده است، خلاف نص صریح قانون می‌باشد و حتی شهرداری را

قانون نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت مصوب ۱۳۵۸/۱۱/۱۷ شورای انقلاب در وزارتخانه‌ها، شخص وزیر و در مؤسسات و سازمانهای مستقل، رئیس سازمان یا مؤسسه و در شهرداریها شهردار می‌باشد، بنابراین تشخیص ضرورت اجرای طرح با شهرداری بوده و بدین ترتیب خدشهای بر مصوبه مورد شکایت وارد به نظر نمی‌رسد.

با توجه به ملاک تبصره ۲ ماده ۳ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت که برای دستگاه اجرایی امکان انصراف از خرید و تملک پیش‌بینی نموده است، تغییر در اولویت بندی و موکول نمودن تملک به زمان مناسب دیگر به ویژه با در نظر گرفتن اینکه به موجب ماده ۲ لایحه قانونی یاد شده تشخیص ضرورت اجرای طرح با دستگاه اجرایی بوده مغایر با قوانین موضوعه یا خارج از حدود اختیارات به نظر نمی‌رسد. در هیچ یک از قوانین و مقررات امکان الزام دستگاه اجرایی به اجرای طرح عمرانی و تملک بدون در نظر گرفتن مقتضیات امر و اولویتهای در نظر گرفته شده و تامین اعتبار لازم پیش‌بینی نشده و مادام که ملک از سوی شهرداری تصرف نشده و استیلا بر ملک صورت نگرفته باشد، الزام به خرید و پرداخت بهای آن نیز فاقد وجهت شرعی و قانونی می‌باشد. در اجرای طرح‌های عمرانی و تملکات همه جوانب امر باید سنجیده شود و با توجه به سیاق عبارات مندرج در لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت، در اجرای طرح‌های عمرانی تمامی اولویتهای تشخیص بالاتری مقام اجرایی دستگاه اجرایی باید رعایت و پس از تامین اعتبار و رعایت سایر تشریفات ممکن است نسبت به تملک اقدام گردد و تنها در موارد فوری مطابق ماده ۹ لایحه قانونی یاد شده به دستگاه اجرایی مربوطه اجازه داده شده قبل از انجام معامله قطعی و با هماهنگی با دادستانی نسبت به تصرف و اجرای طرح اقدام گردد و در هر حال مقررات فوق نشانگر آن است تشخیص ضرورت اجرای طرح و تعیین اولویت در تملک با دستگاه اجرایی مربوطه می‌باشد. همچنان که هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز به موجب رأی وحدت رویه شماره ۳۹۴-۱۳۷۸/۲/۱ تملک اراضی و املاک اشخاص توسط واحدهای دولتی و شهرداریها را منوط به فوریت نیاز و فعلیت اجرای طرح‌های مصوب دانسته است و تشخیص فوریت و ضرورت نیز با بالاترین مقام اجرایی و در مانحن فیه شهردار می‌باشد. مطابق بندهای ۳ و ۲۳ ماده ۸۰ قانون اصلاح موادی از قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، نظارت بر حسن اجرای طرح‌های مصوب در امور شهرداری و همچنین نظارت بر اجرای طرح‌های مربوط به ایجاد و توسعه معابر، خیابانها، میادین و فضاهای سبز شهری از زمره وظایف شورای اسلامی شهر بوده و بدین ترتیب ادعای خروج از حدود اختیارات قانونی نیز مردود به نظر می‌رسد، اکنون با عنایت به مجموع مراتب یاد شده استدعای صدور رأی مبنی بر رد شکایت مطروحه را می‌نماید.

پرونده در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع شد و این هیأت به موجب دادنامه شماره ۹۱۸-۱۴۰۰/۸/۸، بندهای ۶-۱ و ۹-۴ از شیوه‌نامه تملک املاک توسط شهرداری شهر اراک به شماره ۱۳۹۸/۳/۱۹-ش مصوب شورای اسلامی شهر اراک را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یا ده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به بند ۷-۱ و گام ۹ از شیوه‌نامه تملک املاک توسط شهرداری شهر اراک به شماره ۱۳۹۸/۳/۱۹-ش مصوب شورای اسلامی شهر اراک در دستور کار هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

براساس ماده واحده قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب سال ۱۳۷۰: «در کلیه قوانین و مقرراتی که شهرداریها مجاز به تملک ابنیه، املاک و اراضی قانونی مردم می‌باشند، در صورت عدم توافق بین شهرداری و مالک، قیمت ابنیه، املاک و اراضی بایستی به قیمت روز تقویم و پرداخت شود» و به موجب تبصره ۱ همین ماده واحده: «قیمت روز توسط هیأتی مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری و مورد وثوق که یک نفر به انتخاب شهرداری و یک نفر به انتخاب مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین می‌باشد تعیین خواهد شد. رأی اکثریت هیأت مزبور قطعی و لازم‌الاجرا است.» بنا به مراتب فوق، بند ۷-۱ و گام ۹ از شیوه‌نامه تملک املاک توسط

ملتزم به قیمت هیأت کارشناسان هم نموده است یعنی شهرداری در مرحله اول طبق گام قبل، بدون توافق می‌تواند تعیین قیمت را از هیأت کارشناسان تقاضا کند و در مرحله بعد حتی به همان نظریه نیز پایبند و متعهد نماند و موضوع مجدداً در کارگروه املاک مطرح شود و اگر تملک با قیمت مورد ارزیابی کارشناسان به صرف و صلاح شهرداری نباشد، تملک در سال جاری منتفی شده و ضمن تعیین سال اولویت برای تملک و ثبت آن در سیستم پرونده تا زمان تعیین شده آتی برای تملک به صورت سیستمی بایگانی خواهد گردید. طبق تبصره یک ماده واحده قانون نحوه تقویم ابنیه، املاک و اراضی مورد نیاز شهرداریها مصوب ۱۳۷۰ «قیمت روز توسط هیأت مرکب از سه نفر کارشناس رسمی دادگستری و مورد وثوق که یک نفر به انتخاب شهرداری و یک نفر به انتخاب مالک یا صاحب حق و نفر سوم به انتخاب طرفین می‌باشد، تعیین خواهد شد. رأی اکثریت هیأت مزبور قطعی و لازم‌الاجرا است.» لذا بر بنیاد ماده فوق رأی هیأت سه نفره کارشناسان در مرتبه اول قطعی است که قضات عالم والا مقام نیک مستحضرنند به معنای عدم پذیرش هرگونه اعتراض و خدشه نسبت به آن است و طرفین ملتزم به قبول و تمکین نسبت به مفاد آن و قیمت ارزیابی شده هستند. در مرتبه دوم لازم‌الاجرا است که به مفهوم دارا بودن قدرت اجرایی بدون حکم محکمه و بدون لزوم اثبات و تصدیق آن در سایر مراجع می‌باشد.

لازم به ذکر است که با عنایت به اینکه وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر در ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران با اصلاحات بعدی تعیین گردیده و لکن هیچ‌گونه اختیاری برای شوراهای اسلامی شهر در خصوص تبیین ترتیب و شیوه تملک املاک واقع در طرح‌های عمومی و عمرانی تعیین نگردیده است و شیوه‌نامه حاضر به مثابه آیین‌نامه‌ای است که ضوابط و ترتیبات تملک املاک که در اختیار قانونگذار باید باشد را مقرر نموده است. با عنایت به اینکه تملک املاک اشخاص مستلزم ورود به قلمرو حقوق خصوصی و مالکیت آنها است که با توجه به لزوم رعایت حرمت حقوق مالکانه اشخاص، هیچ شخصی جز قانونگذار صلاحیت ورود به این قلمرو را نداشته و لذا وضع قواعد و مقررات مشتمل بر گامهای متعددی که ترتیب آنها خلاف قانون می‌باشد، خارج از صلاحیت شورای اسلامی شهر می‌باشد.

متن بندهای مورد شکایت به شرح زیر است:

الف - بند ۷-۱ از شیوه‌نامه تملک املاک توسط شهرداری شهر اراک به شماره ۱۳۹۸/۳/۱۹-ش مصوب شورای اسلامی شهر اراک:

"۷-۱: تشخیص صرفه و صلاح شهرداری

با توجه به قیمتی که هیأت کارشناسی منتخب برای ملک موضوع تملک ارزیابی نموده است اعضای کارگروه املاک شهرداری مجدداً انجام تملک را مورد بررسی قرار می‌دهند و چنانچه تملک با قیمت مزبور را منافی صرفه و صلاح شهرداری تشخیص دهند، موضوع تملک، در سال جاری منتفی و ضمن تعیین سال اولویت برای تملک و ثبت آن در سیستم پرونده تا زمان تعیین شده آتی برای تملک به صورت سیستمی بایگانی خواهد گردید. ضمناً چنانچه اعضای کارگروه املاک تملک با قیمت کارشناسی فوق‌الذکر را مغایر با صرفه و صلاح شهرداری تشخیص ندهند، مطابق بندهای بعدی عمل خواهد شد."

ب - گام ۹ از شیوه‌نامه تملک املاک توسط شهرداری شهر اراک به شماره ۱۳۹۸/۳/۱۹-ش مصوب شورای اسلامی شهر اراک:

"گام ۹: ادامه اقدامات تملک مطابق تصمیم کارگروه املاک شهرداری:

پس از موافقت نهایی کارگروه املاک و شهردار اراک با انجام تملک ملک مورد نظر بر اساس قیت کارشناسی هیأت منتخب ارزیابی به شرح بندهای بالا و اخذ مجوزهای لازم از شورای اسلامی شهر و یا سایر مرجع قانونی مربوطه (در صورت لزوم)، با توجه به نحوه تملک تعیین شده توسط کارگروه یکی از اقدامات ذیل صورت خواهد پذیرفت."

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر اراک و سرپرستی شهرداری این شهر، به موجب لوایح مشابه به شماره ۶۳۵۸۳/۹۹-۳۳۹۹/۱۲/۲۷ و شماره ۱۳۹۹/۱۲/۲۸-ش مصوب ۱۳۹۹/۱۲/۲۸ توضیح داده‌اند که:

"مصوبات مورد اعتراض صرفاً در راستای نظم بخشیدن به فرایند تملک و اجرای مقررات قانونی حاکم بر تملک اراضی و املاک واقع در طرح‌های عمرانی وضع گردیده و در تصویب مقررات موضوع شکایت همچنان که در ادامه بدان پرداخته خواهد شد هیچ‌گونه تخطی از قوانین موضوعه صورت نگرفته است. به موجب تصریح مندرج در ماده ۲ لایحه قانونی نحوه خرید و تملک اراضی و املاک برای اجرای برنامه‌های عمومی، عمرانی و نظامی دولت، ضرورت اجرای طرح باید به تأیید و تصویب بالاترین مقام اجرایی دستگاه اجرایی برسد و مطابق نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه به شماره‌های ۷/۴۷۸۲-۱۳۸۳/۷/۲، ۷/۴۴۰-۱۳۸۹/۲/۱ و ۷/۴۴۷۳-۱۳۸۹/۷/۲۶ منظور قانونگذار از بالاترین مقام اجرایی دستگاه اجرایی، با توجه به طرز انشاء ماده ۱ و نیز قسمت اخیر ماده ۲ لایحه

شهرداری اراک (موضوع نامه شماره ۹۸/۵۲۶/ش - ۱۳۹۸/۳/۱۹ رئیس شورای اسلامی کلانشهر اراک) که متضمن عدم پذیرش نظریه هیأت سه نفره کارشناسان رسمی دادگستری است، مغایر با موازین قانونی مذکور بوده و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

شماره ۹۹۰۳۲۶۶

۱۴۰۰/۱۰/۱۲

بسمه تعالی

جناب آقای اکبرپور

رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل محترم روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران

یک نسخه از رأی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به شماره دادنامه ۱۴۰۰۹۹۷۰۹۰۵۸۱۲۵۵۱ مورخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ با موضوع: «اتلاق ردیف ۱ تعرفه شماره ۵-۲ از تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ شهرداری سرپل ذهاب که تحت عنوان عوارض آماده‌سازی به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده از تاریخ تصویب ابطال شد. تعرفه شماره ۱۸-۲ از تعرفه عوارض سالهای ۱۳۹۸ شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب که تحت عنوان عوارض تفکیک عرصه و افزایش واحد به استثناء تبصره‌های ۳، ۴ و ۸ آن از تاریخ تصویب ابطال شد.» جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می‌گردد.

مدیرکل هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری - یدالله اسمعیلی فرد

تاریخ دادنامه: ۱۴۰۰/۹/۲۳ شماره دادنامه: ۲۵۵۱ شماره پرونده: ۹۹۰۳۲۶۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکي: آقای علی اکبر محمدی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال ردیف ۱ تعرفه شماره ۵ - ۲ از تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تحت عنوان عوارض آماده‌سازی و تعرفه شماره ۱۸ - ۲ به استثناء تبصره‌های ۳، ۴ و ۸ آن از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ تحت عنوان عوارض تفکیک عرصه و افزایش واحد مصوب شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب

گردش کار: شاکي به موجب دادخواستی ابطال ردیف ۱ تعرفه شماره ۵ - ۲ از تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تحت عنوان عوارض آماده‌سازی و تعرفه شماره ۱۸ - ۲ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ تحت عنوان عوارض تفکیک عرصه و افزایش واحد مصوب شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

«احتراماً، اینجانب علی اکبر محمدی در جهت تبیین خواسته به استحضار آن عالی مقام می‌رساند، شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب طی مصوبه‌ای تحت عنوان تعیین و وصول «عوارض تفکیک عرصه و افزایش واحد اعیانی تعرفه (۱۸-۲)» و بهای خدمات آماده‌سازی معابر (تعرفه ۵ - ۲)، مبادرت به اخذ جواز به شهرداری سرپل ذهاب جهت اخذ وجوهی غیرقانونی از شهروندان مربوطه می‌نماید. شهرداری نیز به استناد این مصوبه، مبالغ هنگفتی را از شهروندان تحت عنوان عوارض تفکیک عرصه و اعیان، کسری حدنصاب تفکیک، آماده‌سازی معابر اخذ می‌نماید. لذا به منظور پیشگیری از این امر تقاضای اعمال ماده ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هرگاه مراجع مربوط مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت، بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده، در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.» را از آن مقام دارم. بنا به مراتب و نظر به اینکه مصوبه شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب در خصوص عوارض تفکیکی عرصه و اعیان، آماده‌سازی معابر املاک و اراضی با قانون به شرح تبیین شده مغایرت دارد و خارج از حدود اختیارات آن شورا می‌باشد، لذا مستنداً به مواد ۱۳، بند ۱ ماده ۱۲، ۸۸ و ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب در سالهای ۹۸ و ۹۹ و جلوگیری از اخذ عوارض غیرقانونی شهرداری سرپل ذهاب از زمان تصویب و خارج از نوبت را دارم.» شوراهای اسلامی شهر سرپل ذهاب طی مصوباتی تحت عنوان تعیین و وصول «عوارض تفکیک عرصه و اعیان»، مبادرت به اخذ جواز به شهرداری جهت اخذ وجوهی غیرقانونی و غیرشرعی از شهروندان می‌نمایند. این در حالی است که با استناد به دلایل ذیل این مصوبه‌ها مغایر قوانین و مقررات می‌باشد:

۱- مغایرت با آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: در ارتباط با عوارض تفکیک عرصه، بر اساس دادنامه‌های شماره ۲۱۸ - ۱۳۸۷/۴/۹، ۴۵۹ - ۱۳۸۹/۱/۲۰، ۴۹۲ - ۱۳۸۹/۱۱/۴،

۲۷۵ - ۱۳۹۱/۵/۱۶، ۲۱ - ۱۳۹۱/۹/۱۳، ۶۲۷ - ۱۳۹۱/۹/۲۰، ۳۴ - ۱۳۹۱/۹/۲۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، تعیین و دریافت عوارض تفکیک عرصه، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شوراهای اسلامی شهرها تشخیص داده شده است. با توجه به اینکه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در آرای مشابه اخذ چنین وجوهی در شهرهای دیگر را خلاف قانون قلمداد کرده اصل عدالت و حفظ حقوق شهروندی نیز اقتضاء می‌کند وقتی اخذ عوارضی از شهروندان بخشی از این سرزمین که در مغایرت با قانون شناخته شده نمی‌توان اخذ همان وجه را از مردمان دیگر جایز و قانونی قلمداد کرد چرا که این امر با اصل ۲۰ و بند ۱۴ اصل ۳ قانون اساسی مبنی بر یکسانی افراد در برابر قانون، مغایر است.

رأی هیأت عمومی به شماره ۶۰۷ و ۶۰۸ و ۶۹۰ - ۱۳۹۶/۶/۲۸: مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ مقرر شده است که «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت، بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.»

نظر به اینکه در آراء شماره ۴۵۹ - ۱۳۸۹/۱۰/۲۰، ۳۴ - ۱۳۹۱/۹/۲۰، ۷۱۷ - ۱۳۹۱/۱۱/۱۱، ۱۰۱۸ - ۱۳۹۲/۶/۱۷، ۳۵۰ - ۱۳۹۴/۳/۲۵، ۷۸۳ - ۱۳۹۴/۶/۴ و ۱۰۸۶ - ۱۳۹۴/۹/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبات شوراهای اسلامی شهرهای مختلف در خصوص عوارض ارزش افزوده، عوارض تفکیک عرصه و اعیان خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع تشخیص و ابطال شده است و شورای اسلامی شهر خرم‌آباد در تصویب جداول ۱۸-۲، ۱۳-۲ و ۱۴-۲ از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ به ترتیب با عناوین عوارض ارزش افزوده ناشی از تغییر و تعیین کاربری، عوارض تفکیک عرصه موضوع ماده ۱۰۱ قانون شهرداری مشمول املاک واقع در محدوده قانونی و حریم مصوب شهر و عوارض تفکیک اعیان املاک واقع در محدوده قانونی و حریم مصوب شهر آراء فوق‌الذکر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری را رعایت نکرده‌اند، بنابراین قسمتهای یاد شده از تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر خرم‌آباد با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رأی هیأت عمومی به شماره ۷۳۱ - ۱۳۹۶/۸/۲: الف - مطابق ماده ۹۲ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲، مقرر شده است که: «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هرگاه مراجع مربوط، مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت، بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.» نظر به اینکه در آراء شماره ۶۹۶ - ۱۳۹۵/۹/۱۶، ۷۵۳ - ۱۳۹۵/۹/۳۰، ۷۷۰ و ۷۷۱ - ۱۳۹۵/۱۰/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مصوبات تعدادی از شوراهای اسلامی شهرهای کشور مبنی بر دریافت عوارض کسری حدنصاب تفکیک، عوارض تفکیک یا افزاز املاک و الزام متقاضی تفکیک به واگذاری قسمتی از ملک و عوارض برای تفکیک به لحاظ مغایرت با قانون و خروج از حدود اختیارات ابطال شده است و شورای اسلامی شهر تبریز در تصویب ماده ۲۰ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۶ سهم تفکیک عرصه و افزاز عوارض کسری مساحت عرصه وضع کرده است، بنابراین ماده مذکور به لحاظ مغایرت با آراء هیأت عمومی با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رأی هیأت عمومی به شماره ۱۰۸۹ - ۱۳۹۶/۱۰/۲۶: با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری تعیین عوارض تفکیک با توجه به صلاحیتهای سازمان ثبت اسناد و املاک در این خصوص، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر در وضع عوارض تشخیص و ابطال شده است، بنابراین قسمت اول ماده ۵۴ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۳ مصوب شورای اسلامی شهر سمنان که در آن مقرر شده است «مالکین زمینهایی که پس از تفکیک به شهرداری مراجعه می‌نمایند قرارداد واگذاری و یا سند در صورتی که حق و حقوق شهرداری ناشی از تفکیک (واگذاری عرصه) پرداخت نشده باشد و یا اینکه بر اساس ماده ۱۰۱ تفکیک نشده باشند و یا تفکیک بر اساس ماده ۱۰۱ قبل از سال ۱۳۹۰ (قبل از اصلاح قانون ماده ۱۰۱ باشد). عوارض به شرح ذیل قابل وصول خواهد بود...»، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع تشخیص شد و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود. نظر به اینکه تبصره ماده ۵۴ تعرفه عوارض سال ۱۳۹۳ در قسمتی که در آن مقرر شده «املاک که از طریق ماده ۱۴۸ و ۱۴۷ قانون ثبت تفکیک شده‌اند می‌بایست P۱۵ بابت تبدیل، P۱۵ بابت تفکیک و

از حیث اختصاص قسمتی از املاک متقاضیان تفکیک و افراز به شهرداری به طور رایگان و چه از لحاظ وصول مبلغی معادل آن به عنوان هزینه خدمات تفکیک و افراز، مغایر مقررات و صلاحیت شوراهای مذکور می‌باشد. در دادنامه شماره ۱۴۸ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مورخ ۱۳۸۷/۳/۱۲ مقرر شده که امر تفکیک و افراز کلیه اراضی و املاک واقع در محدوده و حریم شهرها حسب مورد در قلمرو صلاحیت دادگاههای عمومی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قرار دارد و وظیفه شهرداری منحصرأ اظهار نظر کتبی نسبت به نقشه ملک و ارسال آن به مرجع ذیصلاح مقرر در ماده ۱۵۴ قانون ثبت اسناد و املاک کشور است و رأساً در باب تفکیک و افراز مسئولیتی ندارد.

۴- مغایرت عوارض تفکیک و افراز با قانون ثبت اسناد و مغایرت با اصل تسلیط: طبق ماده ۱۰۱ قانون شهرداری و ماده ۱۵۴ اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک کشور وظیفه تفکیک و افراز اراضی واقع در محدوده شهرها و حریم آنها با رعایت طرحهای جامع، تفصیلی یا هادی و سایر ضوابط مربوط به شهرسازی و نقشه مورد تأیید و تصویب شهرداری محل، به عهده ادارات ثبت اسناد و املاک کشور و مراجع ذیصلاح دادگستری محل وقوع ملک محول شده است. نظر به اینکه حکم مقرر در بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ نیز مفید وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر در زمینه تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمانهای وابسته به آن با رعایت آیین‌نامه مالی و معاملات شهرداریها است، مصوبات شوراهای اسلامی شهر در قسمتهای عوارض تفکیک اراضی خلاف اصل تسلیط و اعتبار مالکیت مشروع و مغایر هدف و احکام مقنن در خصوص مورد است. ماده ۱۰۶ از آیین‌نامه قانون ثبت مصوب ۱۳۱۷ با اصلاحات بعدی نیز دلیل دیگری است بر این مهم که تفکیک اعیانی و آپارتمان از زمره وظایف ادارات ثبت بوده و ارتباط با شهرداریها ندارد، از سوی دیگر به استناد اصل ۱۰ قانون اساسی و تصمیمات شوراها نیابستی خلاف موازین اسلام و قوانین کشور باشد، حال اینکه مصوبات معترض‌عنه حداقل خلاف مواد ۱۵۰ قانون ثبت و ۱۰۶ آیین‌نامه ثبت است. شرح وظایف شهرداریها در ماده ۵۵ از قانون شهرداری نیز بیان شده و تفکیک از زمره وظایف شهرداری نبوده است.

۵- لزوم اخذ عوارض در قبال ارائه مستقیم خدمات از سوی شهرداری: اخذ عوارض در قبال ارائه خدمات قابل دریافت است. اخذ عوارض بدون ارائه خدمات خاص و مشخص جایز نیست. «عوارض» در برابر «خدمات» موضوعیت می‌یابد و به عبارتی دیگر مابه‌ازای خدمات ارائه شده هستند و اصولاً پرداخت‌کننده عوارض می‌باید از نوعی خدمات و انتفاع مستقیم برخوردار شوند. در رابطه با موضوع حاضر نیز شهرداری در خصوص موضوع تفکیک و افراز ارائه‌دهنده خدماتی نیست تا امکان برقراری عوارض برای خدمت داشته باشد.

۶- مغایرت با موازین شرعی: نظر شورای نگهبان (مغایرت با موازین شرعی) شماره: ۱۳۹۶/۴/۲۱ - ۹۶/۱۰۲/۱۸۳۱

بسمه تعالی

رئیس محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

با سلام و تحیت

عطف به نامه شماره ۹۰۰۰/۲۱۰/۱۸۵۰۲/۲۰۰ - ۱۳۹۶/۲/۹:

موضوع بند چهارم بخشنامه شماره ۱۳۹۳/۱۱/۱۲-۹۵۱۰۵ استنادی آذربایجان غربی در خصوص اخذ حق‌السهم شهرداری از تفکیک املاک، در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۴/۱۴ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقهاء به شرح ذیل اعلام می‌گردد: با توجه به نظریه قبلی فقهای شورای نگهبان که طی شماره ۸۹/۳۰/۴۰۴۲۱ - ۱۳۸۹/۸/۱۲ اعلام گردیده، اطلاق مصوبه مذکور نسبت به مقدار بیش از لزوم و نیز در خصوص خدماتی که تصدی آن امور ارتباطی به شهرداری ندارد و نسبت به قطعات کوچک خلاف موازین شرع شناخته شد و با عنایت به اینکه چنین اختیارات قانونی برای استانداردها نیز پیش‌بینی نشده که تشخیص آن به عهده دیوان عدالت اداری است در این صورت مصوبه خلاف شرع می‌باشد. - قائم مقام دبیر شورای نگهبان

اشاره به نظر شورای نگهبان به منظور ارسال موضوع به آن مرجع نیست بلکه صرفاً در جهت تقویت استدلالها و تشحیذ ذهن قضات است. در رابطه با تفکیک اعیانی قابل ذکر است که قانونگذار به شرح ماده ۱۰۰ قانون شهرداری و تبصره‌های آن انواع تخلفات ساختمانی از جمله عدم رعایت اصول شهرسازی یا فنی یا بهداشتی یا اضافه بنا زائد بر مساحت زیربنای مندرج در پروانه‌ی ساختمانی اعم از مسکونی، تجاری، صنعتی و اداری و یا کسر پارکینگ را تبیین و مشخص نموده و تعیین تکلیف تخلفات ساختمانی اعم از تخریب، تعطیل و اعاده به وضع مجاز و یا تعیین جریمه را در صلاحیت کمیسیون‌های مقرر در ماده مزبور قرار داده است. نظر به اینکه پس از الزام مالک به پرداخت جریمه تخلفات ساختمانی، وضع عوارض خاص در خصوص تفکیک آپارتمانی تحت هر عنوان که

همچنین هزینه آماده‌سازی و کسری حدنصاب وصول گردد.» با ماده واحده قانون اصلاح ماده ۱۰۱ قانون شهرداری از این جهت که ناظر به کلیه اراضی از جمله اراضی با مترآز زیر ۵۰۰ متر می‌باشد مغایرت دارد بنابراین قسمت مذکور، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر سمنان تشخیص داده شد و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

رای شماره ۱۱۴۸ - ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری: با توجه به اینکه در آراء متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای تفکیک اراضی و کسری حدنصاب آن در اشکال مختلف در مصوبات شوراهای اسلامی شهرها مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده است، بنابراین مصوبه شورای اسلامی شهر بندرعباس مبنی بر وضع عوارض تفکیک و کسری حدنصاب تفکیکی اراضی در ردیف ۴ فصل ۱ تعرفه عوارض و بهای خدمات محلی شهرداری بندرعباس در سال ۱۳۹۵ مصوب شورای اسلامی شهر بندرعباس به دلایل مندرج در رأی شماره ۱۳۹۶/۴/۱۳-۳۱۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات قانونی است و با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۸۸ و ۱۳ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

۲- مغایرت عوارض تفکیک با قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت: از سوی دیگر با عنایت به آرای ذکر شده از هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر غیرقانونی بودن اخذ عوارض تفکیک عرصه، اخذ وجوه مذکور بر خلاف ماده ۴ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت نیز می‌باشد. همچنین با توجه به حکم مقرر در تبصره ۳ ماده ۶۲ قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ مبنی بر ممنوعیت دریافت هرگونه وجه، کالا یا خدمات، مزاد بر حکم مقنن در قبال ارائه خدمات توسط مراجع مذکور در قوانین یاد شده، اخذ عوارض تفکیک عرصه و اعیان خلاف قانون است. در این قوانین دریافت هرگونه وجه، کالا و یا خدمات تحت هر عنوان از اشخاص حقیقی و حقوقی توسط نهادهای عمومی غیردولتی غیراز مواردی که در مقررات قانونی مربوط معین شده یا می‌شود ممنوع شده و از آنجا که اخذ وجوهی به عنوان عوارض تفکیک عرصه و اعیان خلاف مقررات دانسته شده لذا هیچ توجیهی برای اخذ این وجوه پذیرفته نیست. در هر حال وضع قاعده آمره مشعر بر الزام اشخاص به پرداخت هرگونه وجه در قبال استفاده از تسهیلات و خدمات دولتی، اختصاص به قوه مقننه و یا مأذون از قبل قانونگذار دارد.

قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۰/۳۰/۴۲۶۲۰ - ۱۳۹۰/۳/۲۹ اعلام کرده است که: «موضوع مصوبه شماره ۲/۳۱۰۶/ش - ۱۳۸۳/۷/۱۸ شورای اسلامی شهر مشهد، در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۳/۲ فقهای شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و خلاف موازین شرع شناخته نشد و چنانچه مجوز قانونی وجود نداشته باشد خلاف موازین شرع می‌باشد.» هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نیز بر همین اساس مصوبه را برخلاف موازین شرع اعلام نمود و آن را ابطال کرد. در این استدلال یکی از بدیع‌ترین و جالب‌ترین استدلال‌ات شورای نگهبان مبنی بر اینکه مصوبه‌ای که برخلاف قانون مصوب باشد خلاف شرع است مطرح شده که می‌تواند در بسیاری از مسائل حقوقی راهگشا باشد. مقصود از اشاره به این موضوع ارسال آن به شورای نگهبان نیست بلکه جهت تشحیذ ذهن قضات آن مرجع است.

۳- خروج شورا از حدود صلاحیت خود: در مواردی می‌توان خروج شوراها را در زمینه‌های مختلف از قانون و مقررات و حدود صلاحیتشان مشاهده نمود که در موضوعاتی مانند «عوارض یا بهای خدمات تفکیک و افراز» متجلی شده است. توضیح اینکه طبق ماده ۱۰۱ قانون شهرداری و ماده ۱۵۴ اصلاحی قانون ثبت اسناد و املاک، وظیفه تفکیک و افراز اراضی واقع در محدوده شهرها و حریم آنها با رعایت طرحهای جامع، تفصیلی یا هادی و سایر ضوابط مربوط به شهرسازی و نقشه مورد تأیید و تصویب شهرداری محل به عهده اداره‌های ثبت اسناد و املاک کشور و مراجع ذیصلاح دادگستری محل وقوع ملک موکول شده است و در صورت عدم اظهار نظر کتبی شهرداری نسبت به نقشه تفکیک و افراز در مهلت قانونی مراجع مذکور نسبت به افراز و تفکیک ملک رأساً اقدام می‌نماید. نظر به قسمت اول قانون موسوم به تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱ مبنی بر حصر جواز اخذ هرگونه وجه از تولیدکنندگان و وارد کنندگان کالا و ارائه‌دهندگان خدمات از تاریخ یکم فروردین ماه ۱۳۸۲ بر اساس مقررات قانون مزبور و تجویز و برقراری عوارض محلی جدید و یا افزایش نرخ عوارض محلی به شرح تبصره ۱ ماده ۵ قانون یاد شده و اینکه حکم مقرر در بند ۲۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مصوب سال ۱۳۷۵ نیز مفید وظایف و اختیارات شورای اسلامی شهر در زمینه تصویب نرخ خدمات ارائه شده توسط شهرداری و سازمانهای وابسته به آن با رعایت آیین‌نامه مالی و معاملات شهرداریها است، مصوبات شوراهای اسلامی شهرها چه

تعرفه شماره (۱۸ - ۲) - عوارض تفکیک عرصه و افزایش واحد سال ۱۳۹۸

ردیف	کاربری	عوارض تفکیک عرصه	عوارض تفکیک اعیان	توضیحات
۱	مسکونی	۴.p	۲.p	تبصره ۱: در جدول فوق عوارض عرصه جهت اراضی کمتر از ۵۰۰ مترمربع اعمال می‌گردد و در اراضی بالای ۵۰۰ مترمربع به استناد ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداریها عمل می‌گردد (به استناد تبصره ۲ این ماده)
۲	تجاری-خدماتی	۳.p	۳.p	
۳	کارآگاهی - صنعتی	۵.p	۲.p	
۴	باغات	۶.p	۳.p	تبصره ۲: املاکی که سند مالکیت آنها به موجب مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اسناد و همچنین املاک اوقافی و غیره که از سوی سایر مراجع بدون اخذ استعلام از شهرداری صادر می‌گردد مشمول ۷ برابر جدول این ماده با احتساب هر میزان مترآز می‌گردد.
۵	اداری - انتظامی و نظامی	۵.p	۲.p	
۶	سایر	۵.p	۳.p	
۷	نیم طبقه تجاری	-	۲.p	

تبصره ۳: هرگونه افزایش واحد و تبدیل اعیان زیر حدنصاب ضوابط شهرسازی خارج از مندرجات پروانه مشمول عوارضی معادل ۷ برابر جدول فوق محاسبه و قابل وصول است و در خصوص تفکیک عرصه زیر حدنصاب شهرسازی معادل ۸ برابر جدول فوق محاسبه و قابل وصول است.

توضیح A: ارزش معاملاتی اعیانی بر اساس مقررات عمومی و ضوابط اجرایی ارزش معاملاتی املاک موضوع ماده ۶۴ قانون مالیات‌های مستقیم مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

تبصره ۴: چنانچه تعداد واحدهای مندرج در پروانه با تعداد واحدهای اجراء شده تطبیق داشته باشد افزایش واحد نیابتی وصول گردد (جابجایی واحدها).

تبصره ۵: عوارض افزاز املاک مشابه تفکیک و با شرایط تفکیک قابل وصول می‌باشد.

تبصره ۶: زیر بنا خالص واحدها، ملاک محاسبه و اخذ عوارض عرصه می‌باشد.

تبصره ۷: الف) در جدول عوارض تفکیک عرصه لازم است قبل از صدور پروانه اخذ و در مورد مندرج در تبصره یک در زمان توافقات و با هرگونه استعلام قابل وصول است.

ب) عوارض افزایش اعیانی که زیر حدنصاب ضوابط شهرسازی ایجاد می‌گردد لازم است در زمان صدور هرگونه بلامانع به نرخ روز اخذ گردد.

تبصره ۸: در صورت ارجاع پرونده‌ها از کمیسیون ماده صد به شهرداری در خصوص افزایش تعداد واحدها به شرح ذیل اقدام گردد.

۱. در صورت تبدیل یک واحد به دو یا چند واحد بدون افزایش مساحت طبقه، هزینه تفکیک بر اساس مترآز طبقه محاسبه و وصول می‌گردد.

۲. در صورت تبدیل یک واحد به دو یا چند واحد همراه با افزایش مساحت طبقه، میزان مترآز تخلف مازاد، بر اساس ماده ۲ دفترچه (AP) محاسبه و مابقی مترآز بر اساس جدول این ماده اخذ گردد.

۳. در مورد تبدیل واحدها از دوبرگس به دو یا چند واحد بر اساس تبصره‌های ۷ و ۸ این ماده اقدام می‌گردد.

۴. در صورت رفع تخلف توسط مالک عوارضی وصول نمی‌گردد.

تعرفه شماره (۲ - ۱۸) - عوارض تفکیک عرصه و افزایش واحد سال ۹۹

ردیف	کاربری	عوارض تفکیک عرصه	عوارض تفکیک اعیان	توضیحات
۱	مسکونی	۵.p	۳.p	تبصره ۱: در جدول فوق عوارض عرصه جهت اراضی کمتر از ۵۰۰ مترمربع اعمال می‌گردد و در اراضی بالای ۵۰۰ مترمربع به استناد ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداریها عمل می‌گردد. (به استناد تبصره ۲ این ماده)
۲	تجاری - خدماتی	۴.p	۴.p	
۳	کارآگاهی - صنعتی	۶.p	۳.p	
۴	باغات	۷.p	۴.p	تبصره ۲: املاکی که سند مالکیت آنها به موجب مواد ۱۴۷ و ۱۴۸ قانون ثبت اسناد و همچنین املاک اوقافی و غیره که از سوی سایر مراجع بدون اخذ استعلام از شهرداری صادر می‌گردد مشمول ۷ برابر جدول این ماده با احتساب هر میزان مترآز می‌گردد.
۵	اداری - انتظامی و نظامی	۶.p	۳.p	
۶	سایر	۵.p	۴.p	
۷	نیم طبقه تجاری	-	۳.p	

از مصادیق افزایش درآمد مشمول مالیات به شمار نمی‌رود با احکام مقنن در باب تفویض اختیار وضع عوارض به شورای اسلامی شهر منافات و مغایرت دارد. علاوه بر مورد فوق‌الذکر مطابق ماده ۱۵۰ قانون ثبت اسناد و املاک تفکیک ملک به عهده اداره ثبت است. نظر به این که شهرداری در این خصوص وظیفه و صلاحیتی ندارد، بنابراین مصوبات در خصوص وضع عوارض برای تفکیک اعیانی اعم از مسکونی، تجاری، خدماتی، اداری و سایر، مغایر قانون و از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر خارج است؛ ماده ۱۰۶ از آیین‌نامه قانون ثبت مصوب ۱۳۱۷ با اصلاحات بعدی نیز دلیل دیگری است بر این مهم که تفکیک اعیانی و آپارتمان از زمره وظایف ادارات ثبت بوده و ارتباط با شهرداری‌ها ندارد. این در حالیست که شرح وظایف شهرداریها در ماده ۵۵ از قانون شهرداری نیز بیان شده و تفکیک اعیانی و آپارتمان از زمره وظایف شهرداری نبوده و کار شهرداری در مرحله صدور پایان کار خاتمه یافته تلقی می‌گردد و بالعکس شروع عملیات تفکیک اعیانی از زمان صدور پایان کار آغاز و صرفاً در حوزه عملکرد ادارات ثبت است و به عبارت ساده‌تر درخواست تفکیک اعیانی و کارشناسی و برآورد متره آپارتمان و نگارش صورت مجلس تفکیک ثبتی و صدور سند تفکیک آپارتمان تماماً در ادارات ثبت انجام می‌شود. اساساً دریافت یا مطالبه عوارض بایستی در مقابل ارائه خدمات باشد، (عوض و معوض) حال این که شهرداری در خصوص تفکیک اعیانی هیچ نوع خدمات اداری و غیره... به متقاضی تفکیک ارائه نمی‌نماید تا مستحق دریافت عوارض یا اجرت یا امثالهم باشد در هر حال در شرح وظایف شهرداری‌ها در ماده ۵۵ از قانون شهرداری بیان شده است تفکیک اعیانی و آپارتمان از زمره وظایف شهرداری نبوده و کار شهرداری در مرحله پایان کار خاتمه یافته تلقی می‌گردد و دقیقاً شروع عملیات تفکیک اعیانی از زمان صدور پایان کار آغاز و صرفاً در حوزه عملکرد ادارات ثبت است.

لذا به منظور پیشگیری از این امر تقاضای اعمال ماده ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ که مقرر می‌دارد: «چنانچه مصوبه‌ای در هیأت عمومی ابطال شود، رعایت مفاد رأی هیأت عمومی در مصوبات بعدی الزامی است. هرگاه مراجع مربوط مصوبه جدیدی مغایر رأی هیأت عمومی تصویب کنند، رئیس دیوان موضوع را خارج از نوبت، بدون رعایت مفاد ماده ۸۳ قانون مذکور و فقط با دعوت نماینده مرجع تصویب‌کننده، در هیأت عمومی مطرح می‌نماید.» را از آن مقام دارم. بنا به مراتب و نظر به اینکه مصوبه شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب در خصوص عوارض تفکیکی عرصه و اعیان، آماده‌سازی معابر املاک و اراضی با قانون به‌شرح تبیین شده مغایرت دارد و خارج از حدود اختیارات آن شورا می‌باشد، لذا مستنداً به مواد ۱۳، بند ۱ ماده ۱۲، ۸۸ و ۹۲ قانون دیوان عدالت اداری سال ۱۳۹۲ استدعای ابطال مصوبه شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب و جلوگیری از اخذ عوارض غیرقانونی شهرداری سرپل ذهاب از زمان تصویب و خارج از نوبت را دارم.»

متن مقرره‌های مورد شکایت به شرح زیر است:

"تعرفه شماره (۵ - ۲) - عوارض پذیره تأسیسات شهری سال ۱۳۹۹:

ردیف	عنوان تعرفه عوارض	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض	توضیحات
۱	عوارض آماده‌سازی ۳ p.m	عوارض خلاف جهت ۴.p.S	تبصره (۱) منظور از S مترمربع می‌باشد. تبصره (۲) بر با عرض بیشتر بعنوان پایه و ملاک اصلی قرار خواهد گرفت. تبصره (۳) برهای با عرض کمتر با ۵۰٪ اعمال می‌شود. تبصره (۴) منظور از A بر خیابان می‌باشد. تبصره (۵) منظور از m عرض معبر می‌باشد.

تعرفه شماره (۵ - ۲) - عوارض پذیره تأسیسات شهری سال ۱۳۹۸:

ردیف	عنوان تعرفه عوارض	مأخذ و نحوه محاسبه عوارض	توضیحات
۱	عوارض آماده‌سازی ۳.p.A.۵۰٪/m	عوارض خلاف جهت ۲.p.S	تبصره (۱) منظور از S مترمربع می‌باشد. تبصره (۲) بر با عرض بیشتر بعنوان پایه و ملاک اصلی قرار خواهد گرفت. تبصره (۳) برهای با عرض کمتر با ۵۰٪ اعمال می‌شود. تبصره (۴) منظور از A بر خیابان می‌باشد. تبصره (۵) منظور از m عرض معبر می‌باشد.

در اجرای ماده ۸۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری پرونده به هیأت تخصصی شوراهای اسلامی دیوان عدالت اداری ارجاع می‌شود و هیأت مذکور به‌موجب دادنامه شماره ۹۲۷ - ۱۴۰۰/۸/۹ تبصره‌های ۳، ۴ و ۸ تعرفه ۱۸ - ۲ تحت عنوان عوارض تفکیک عرصه و افزایش واحد سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ مصوب شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب را قابل ابطال تشخیص نداد و رأی به رد شکایت صادر کرد. رأی مذکور به علت عدم اعتراض از سوی رئیس دیوان عدالت اداری و یاده نفر از قضات دیوان عدالت اداری قطعیت یافت.

رسیدگی به ردیف ۱ تعرفه شماره ۵ - ۲ از تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ تحت عنوان عوارض آماده‌سازی و تعرفه شماره ۱۸ - ۲ به استثناء تبصره‌های ۳، ۴ و ۸ آن از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ تحت عنوان عوارض تفکیک عرصه و افزایش واحد مصوب شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب در دستورکار جلسه هیأت عمومی قرار گرفت.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۴۰۰/۹/۲۳ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

الف - با توجه به اینکه در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۱۱۴۵ - ۱۳۹۹/۹/۲۵ این هیأت، وضع عوارض برای هزینه آماده‌سازی توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است و همچنین طبق بند ۱ ماده ۵۵ قانون شهرداری، ایجاد خیابانها، کوچه‌ها، میدانها، باغهای عمومی و مجاری آب و توسعه معابر در حدود مقررات موضوعه از وظایف شهرداریها است و در قوانین موضوعه صرفاً در تبصره ۴ ماده واحده قانون تعیین وضعیت اراضی و املاک واقع در طرحهای دولتی و شهرداریها در هنگام تقاضای ورود به محدوده و استفاده از امکانات شهری، پرداخت هزینه آماده‌سازی برعهده مالکین گذاشته شده است، بنابراین اطلاق ردیف ۱ تعرفه شماره ۵ - ۲ از تعرفه عوارض محلی سالهای ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ شهرداری سرپل ذهاب که تحت عنوان عوارض آماده‌سازی به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

ب - هرچند قانونگذار طبق ماده ۱۰۱ اصلاحی قانون شهرداری و تبصره ۳ ماده مذکور مصوب ۱۳۹۰/۱/۲۸ مقرر کرده است که در اراضی با مساحت بیشتر از ۵۰۰ مترمربع که دارای سند شش دانگ است، شهرداری برای تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی تا سقف بیست و پنج درصد و برای تأمین اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر عمومی شهر در اثر تفکیک و افراز این اراضی مطابق با طرح جامع و تفصیلی با توجه به ارزش افزوده ایجادشده از عمل تفکیک برای مالک، تا بیست و پنج درصد از باقیمانده اراضی را دریافت می‌نماید و شهرداری مجاز است با توافق مالک، قدرالسهم مذکور را براساس قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت کند، ولی با توجه به اینکه در آرای متعدد هیأت عمومی دیوان عدالت اداری از جمله دادنامه شماره ۳۱۵ - ۱۳۹۶/۴/۱۳ این هیأت، وضع عوارض برای تفکیک در تمام اشکال آن توسط شوراهای اسلامی شهر مغایر با قانون و خارج از حدود اختیار تشخیص و ابطال شده است، بنابراین تعرفه شماره ۱۸-۲ از تعرفه عوارض سال ۱۳۹۸ شهرداری سرپل‌ذهاب که تحت عنوان عوارض تفکیک عرصه و افزایش واحد به تصویب شورای اسلامی این شهر رسیده، به استثناء تبصره‌های ۳، ۴ و ۸ آن خلاف قانون و خارج از حدود اختیار است و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ از تاریخ تصویب ابطال می‌شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - حکمتعلی مظفری

تبصره ۳: هرگونه افزایش واحد و تبدیل اعیان زیر حدنصاب ضوابط شهرسازی خارج از مندرجات پروانه مشمول عوارضی معادل ۸ برابر جدول فوق محاسبه و قابل وصول است و در خصوص تفکیک عرصه زیر حدنصاب شهرسازی معادل ۸ برابر جدول فوق محاسبه و قابل وصول است.

توضیح A: ارزش معاملاتی اعیانی بر اساس مقررات عمومی و ضوابط اجرایی ارزش معاملاتی املاک موضوع ماده ۶۴ قانون مالیات‌های مستقیم مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

تبصره ۴: چنانچه تعداد واحدهای مندرج در پروانه با تعداد واحدهای اجراء شده تطبیق داشته باشد افزایش واحد نایستی وصول گردد (جابجایی واحدها).

تبصره ۵: عوارض افراز املاک مشابه تفکیک و با شرایط تفکیک قابل وصول می‌باشد.

تبصره ۶: زیر بنا خالص واحدها، ملاک محاسبه و اخذ عوارض عرصه می‌باشد.

تبصره ۷: الف) در جدول عوارض تفکیک عرصه لازم است قبل از صدور پروانه اخذ و در مورد مندرج در تبصره یک در زمان توافقات و با هرگونه استعلام قابل‌وصول است.

ب) عوارض افزایش اعیانی که زیر حدنصاب ضوابط شهرسازی ایجاد میگردد لازم است در زمان صدور هرگونه بلامانع به نرخ روز اخذ گردد.

تبصره ۸: در صورت ارجاع پرونده‌ها از کمیسیون ماده صد به شهرداری در خصوص افزایش تعداد واحدها به شرح ذیل اقدام گردد.

۱. در صورت تبدیل یک واحد به دو یا چند واحد بدون افزایش مساحت طبقه، هزینه تفکیک بر اساس مترائز طبقه محاسبه و وصول می‌گردد.

۲. در صورت تبدیل یک واحد به دو یا چند واحد همراه با افزایش مساحت طبقه، میزان مترائز تخلف مازاد، بر اساس ماده ۲ دفترچه (AP) محاسبه و مابقی مترائز بر اساس جدول این ماده اخذ گردد.

۳. در مورد تبدیل واحدها از دوبلکس به دو یا چند واحد بر اساس تبصره‌های ۷ و ۸ این ماده اقدام می‌گردد.

۴. در صورت رفع تخلف توسط مالک عوارضی وصول نمی‌گردد.

در پاسخ به شکایت مذکور، رئیس شورای اسلامی شهر سرپل ذهاب به موجب لایحه شماره ۶۳/ش ۱ - ۱۴۰۰/۳/۲۵ توضیح داده است که:

۱- همان طور که آن هیأت اطلاع و استحضار کامل دارند هر مصوبه‌ای که تصویب می‌گردد دارای شماره مصوبه و تاریخی است که از سوی آن شورای اسلامی تنظیم و تهیه می‌گردد و همچنین آن مصوبه طی شماره مصوبه دیگری در کمیته تطبیق مصوبات فرمانداری بایستی مطابقت آن مصوبه با قانون را تحصیل نماید. این در حالیست که شاکی و خواهان در ضمن دادخواست و دعوی تقدیمی خویش نام و مشخصات مصوبه‌ای را که خواستار آن گردیده را ذکر ننموده و نامبرده مشخص ننموده است که کدام مصوبه با قانون مخالفت دارد و بایستی باطل گردد، به جهت اینکه خواسته شاکی معلوم و مشخص نمی‌باشد استدعای رد دعوا و اعتراض نامبرده را دارد.

۲- هرچند که خواسته شاکی مجهول بوده و قابلیت اجابت را ندارد با این وصف با نامبره با تنظیم تحریر چندین صفحه در قالب اعتراض خویش را ذی حق و ذی نفع جلوه داده و خواستار ابطال مصوبه‌ای گردیده که حتی نام و مشخصات آن مصوبه را هم نمی‌داند نامبرده به یک سری مواد و اصول قانون و آراء و احکام هیأت عمومی دیوان عدالت اداری اشاره و استناد نموده که هر کدام در جای خود و در موضوع مقتضی به خویش کارایی داشته و با موضوع مانحن فیه که شاکی در شرح شکواییه خویش بدان اشاره نموده مطابقت و همخوانی ندارد. مثلاً شاکی به آراء هیأت عمومی در موردی اشاره نموده که توافق شهرداری با مالک جهت گرفتن مقداری زمین در قبال حق و تفکیک اشاره نموده و با مواردی که شهرداری بیشتر و مازاد بر موارد و شرایط ماده ۱۰۱ قانون شهرداریها اقدام نماید اشاره نموده که هر کدام از آن آراء در جای خود و در موضوع شکایت شاکی هیچ انطباق و همخوانی ندارد بنا به مراتب مذکور به لحاظ فقدان ادله اثباتی استدعای رد اعتراض و شکایت نامبرده را دارد.